

دادند، و هیچ بید نیست که انگلیس هم درین راه
آهن ما روس شرکت داشته باشند، چنانچه چند ماه
قبل این مسئله موضوع بحث آمده که از سرحد حلقا
تا بندر عباس یک خط آهن دولتی روس و انگلیس
بلاشترک بکشند، و این نیزنگها نام بستی بر همین نقشه
است، و ما بچاره‌ها همچو تصور میکنیم که اگر چنین
شده بود چنان نمی‌شد

اگر دولتی روس و انگلیس درین نقشه کامیاب
شود از یکطرف استقلال ایران را خنثی داده اند و
از طرف دیگر آلمان را هزاران فرسنگ در آسیا
عقب انداخته راه آهن بغداد را برحاصلی محض ساخته
خواهند بود، و مقصود حقیقی انگلیس هم همین است،
حرف این است که آیا آلمان ساکت خواهد ماند و آرام
خواهد نشست که رقابتی با این آسانی‌گویی را از میدان
برایند؟ بقیده آشنایان سیاست خیر. آلمان هم درین
میدان رقابت بالای جان خود خواهد زد و کامیابی
روس و انگلیس با آسانی میسر نیست، روسها از عهد
ناصرالدین شاه یک حق اولویت در تعمیر راه آهن
ایران حاصل کرده و بوعده آن نیز چند ملی پشیمانده
و این حق اولویت در مقابل خارجه است نه داخله،
یعنی اگر ایران بنا شود امتیاز راه آهن را تا مدتی که
قریب الاختتام است بخارجه دهد روس اولویت داشته
باشد، هنوز امتیاز بروس داده نشده و نه صلح الدوله
نقشه ذکر نمودیم در مجلس پیش نمی‌نمود، روسها
در مجموع میخواهند بشرق دست جای مهوری در تعمیر
راه آهن ایران برای خود گذارند باشند

نقطه آذربایجان چند سال است که از مواد پلتنیکی
زرگ بین سیاسیون اروپا بشمار است، و تمام مربوط
راه آهن بغداد میباشد و چندی قبل جراند روس
متوحشانه مینوشتند که آلمان امتیاز اولویتی که در
ایران روس در تعمیر راه آهن حاصل نموده بود از
شاه حاصل کرده که بعد از ختم مباد روس آن
اولویت را آلمان داشته باشد

فرض از این بیانات آن است که هموطنان عزیز ما
بدانند دستهای پلتنیکی از درواز در وطن عزیزشان
کار میکنند و ملت و دولت سیاسی ناشناس ایران را
آله پشرفت اغراض پلتنیکی خود قرار داده آن بدوستان
هم ضیاع بر کله یکدیگر میزنند، و بخمال خود قلع
میکند، یا شکست میخورند، پیش می‌برند، یا عقب
می‌افتند، قافل ازین که دست دیگران در کار و قلع
و شکست راجع بدیگران است

چنان مستفاد می‌شود که موضوعیت رقابت
آذربایجان خیلی بالا گرفته، و امپراطور روس بخاره
را محصور بملاقات نبر آلمان دیده یا قبصر براسیه
فهباش وی طالب ملاقات امپراطور شده چه بنتاً زمزمه
این ملاقات برخاست، معیت صیو (اسوالسکی) وزیر
خارجه ما امپراطور روس درین مسافرت اهمیت این
ملاقات را بخوبی ظاهر میدارد و چون هیچ مسئله
اهم سیاسی حز انقلاب کنون ایران و رقابت آذربایجان
در پیش نیست میتوان از روی ايقان گفت که علت
فانی این ملاقات جز بحث در مسائل واحه با ایران
نیباشد، اگرچه مسئله جزیره کردیم در پیش هست
و اخبارات اشاره بامور واحه بالکان نموده و روس
را بشارت بانتفاع میدهند، ولی تمام بی گم کردن و
فرض اصلی همان بحث در امور واحه با ایران است و
بقیده سیاسیون پلتنیکه دولت آلمان باید تهدیدی در
تصرفات و خیالات روس در آذربایجان نموده باشد و
غناهیهم علناً در مقابل وی ایستاده، فیصله این مناقشات
بسته به نتیجه ملاقات امپراطورین است

نکته دیگر این است که آیا با اتحاد روس و انگلیس
ممکن است آلمان و روس هم اتحاد نمایند؟ بقیده دانایان
مشکل است، و روسها باید تأییدات طالی انگلیس ترک
اتحاد باوی را نتوانند گفت، ولی هرگاه چنین امری پیش
آید یعنی روس اتحاد با آلمان را ترجیح بر انگلیس
دهد یا منذب در اتحاد انگلیس شود قطعاً انگلیس را
در ایران بلکه در تمام آسیا دوجار مشکلات عظیم
خواهد ساخت، چه شالوده اتحاد آلمان و آفرینش
و ابتالی خلیل محکم است بر عکس اتحاد فرانس و
انگلیس و روس، همین قدر باید دانست که ترس انگلیس
از آلمان و مرعوبیت روس هم امروزه از همان است،
از مرعوبیت بود که یک تهدید آلمان روس چشم از
حقوق یکصدساله خود در بالکان برشید و همین حرکات
قانونی غنای در آذربایجان علناً مخالفت آلمان با روس
و مضاً تهدیدات آلمان بر اوست، مسلماً نتیجه امر پس
از ملاقات امپراطورین آشکار خواهد گردید و گمان
نمی‌رود که حز ترک تجاوز در آذربایجان بروس رأی
و صلاح دیگری دهد

ولی ایران راست حال که از منقأ و مقصد همسایگان
مخون واقف گردیده ملت و دولت دست اتحاد یکدیگر
داده تا جایکه ممکن است نگذارند در سایه مناقشات
آنها اجنبیان در ذوال استقلال این خاک بکوشند، هنوز
هم ایرانیان را آن موقع از دست زده که اگر اتحاد

کند بتواند حفظ استقلال مملکت خود را نماید . در اتحاد ملت و دولت الحراج قشون روس از تبریز و آرام خودن عثمانیان ابداً دشوار نیست . اگر ملت و دولت ایران اتحاد نمایند هیچ دولت در مورد اخلای آنها دخالت نه تواند نمود ، امتیازات زورکی یا پولکی از آنها نتواند حاصل کرد ، ملوژم موقع آنست که ایران بتواند بیای خود بایستد و سعادت کم شده خود را بدست آورد امروز بر ملت و دولت ایران فرض است که مناقشات خودی را جداً کنار گذارده متصفاً عذر قشون روس بخواهند . چه تا وقتی که يك سر بار خارجه در ایران باشد استقلال و طمئنان در خطر خواهد بود و اطمینان با امنیت ایران حاصل نتوان نمود . امروز بهانه جونی دولتیکه قشون وارد ایران نموده خیلی سهل است ولی همین که قشون را عودت دادند بهانه جونی آنها دشوار خواهد گردید

اکنون اگر ملت و دولت ایران دست بدست اتحاد دهند در چند روز امنیت در تمام ایران حکم فرما تواند شد . و با برقراری امنیت و اتحاد ملت و دولت ، هیچ بهانه قیام برای قشون روس باقی نمی ماند ، خواه مخواه باید قشون خود را از تبریز طلب نماید و بلا حرف در چنین صورت نماییم از مرحدات خود تجاوز نخواهد مسکرد ، و بعد از انجام این امر باید کبیسون تاجلاً معین ، و جداً مناقشات سرحدی را با عثمانی فیصل نمود تا ملت و دولت با حواس جمع در آینده بتواند علایجی برای دردهای درونی خود پیدا نماید

ملت و دولت ایران نباید بخواهند هر روز روس که پس از برقراری امنیت قشون خود را بیرون می برم قناعت نمایند ، بلکه باید سرعت باد و برق امنیت ملک خود را بر طلیان ظاهر نموده جداً دعوت روس را باز خواهند ملت و دولت ایران راست که راحت و آرام را بر خود حرام نموده از پای نه نشینند تا قشون خارجه را از خاک خود خارج نمایند ، چه وجود قشون خارجه در استقلال يك مملکت حکم پیکروب طاعونی را دارد و منادی زوال استقلال آن ملت است

ملت و دولت ایران راست که بحیات رقابتی خود قناعت نکرده یعنی اطمینان بر این نه نمایند که چون عثمانی بر قنات روس در آذربایجان تمام نموده و آلمان و انگلیس در ایران رفیقند جواب روس را عثمانی و جواب انگلیس و آلمان خواهد داد و این امیدهای ولی آسوده بایستد با در اصلاحات دیگر خود کوتند .

بمقیده چپس سیاسیون حیات رقابتی دریا بست ، و پیش آمد امور پلتیک در حکم حقه سر بسته است ، از کجا فردا برای یکی از رقبا يك ابتلاقی پیش نیاید که صرف نظر ازین موضوع رقابت نموده در عین امید سنگ یاس بر شیشه آرمان ما خورد (چنانچه بهتاً برای عثمانی پیش آمد) ظاهر است ، ایک طمانند طعمه بین دو رقیب موقتاً محفوظیم و هیچ يك ارجح آن دیگری به بلع ما موافق نتواند شد ، ولی همین که بحقیق از حصار یکطرف را طبع مخرج یعنی رقیب بر طرف شد ، آرد دیگر طمانند شاهین به بلع ما بلکه مضم ما نائل خواهد آمد . اینستکه مادامه نظار تاریخی دارد که شرح وسط لارم ندارد ، و یا از کجا اگر ما تا در باز موضوع رقابت دائم رقبا بسته شده ما را برادر وار تقسیم نه بایند (طمانند رقابت صد ساله روس و انگلیس در ایران) و یا ما را طال المصلحه اتحاد خود قرار بدهند (چنانچه مصر و صراکو را بخیمال خود فرانس و انگلیس فراراد دند) استقلال يك مملکت وقتی قابل اطمینان تواند بود که آن ملت و دولت بیای خود بتواند ایستاد ، این همه خوریزی ، این همه زحمت ، این همه هب و غارت و طساره که ملت درین سه ساله دیده و رحمانی که کشید ، می کشد برای حفظ استقلال مملکت است ، برای سه در و شرف آزادی ملت است ، برای آن است که دست خارجه نام و ولایت بر سر ایران درار باشد ، پس ما ما يك بدای سمع حرا شاه ناماء وطن هنر خود میکوابیم در عالم سیاست و پلتیک عثمانی و آلمان و روس و انگلیس برای ایران يك حکم را دارند ، ایران حق ایرانیان است ، نژاد ایرانی نباید زیر دست هیچ قوم تی در دهد ، ایرانی باید در حقوق و طلبه از هر چیز چشم بوسد جز استقلال وطن ، هر ایرانی باید حفظ حقوق ملیه خود را از هر دولت نه نماید ، ایرانیان نباید به دوستیهای نلتیکی هیچ دولت قناعت نمایند ، چه در مدرسه پلتیک جز خدعه و فریب درسی داده نمیشود قنات در پلتیک مناط اعتبار نیست (چنانچه آلمان و انگلیس) دیانت شرط راست رفتاری در جاده پلتیک نیست (چنانچه غالب دول عیسویه) ایرانیان حقوق وطنیه و استقلالیه خود را ولو از يك ملت و دولت شینه اجنبی هم باشد باید حفظ نمایند

ایرانیان باید بدانند تمام این دولتک امروزه با ما اظهار دوستی میکنند و در خاک ما سروکار دارند و یکی اظهار رقابت یا دوستی با آن دیگری نمیاید تمام برای بودن کلاه آنهاست ، نهایت این است که یکی اظهار

دوستی بر قایت آن دیگری که با ما می نماید محض آن است که آن دیگری کلاه مارا نبرده خودش بر باید ، چه توان کرد که مسلک سیاسی همین است اهم بر اینکه در ایران باشد یا در مملکت دیگر

پس ما راست است که هر قسم توایم کلاه خویش را حفظ نموده نگذاریم بجز منافع مشروع که از طریق تجارت و امثال آن است از ما حاصل نمایند و در صورتیکه ملت و دولت ایران متحد شوند و مجلس شورای دارای وکلای با دانش و دولت دارای رجال با سیاست شود هیچ راهی در وجود کلاه ما برای خارجه باقی نمی ماند ، ملت و دولت ایران هنوز آن حیثیت و مقام را ندارند که اگر اتفاق بماند هیچ دولت بجز ما تواند از آنها استفاده نماید و مملکت ایران تا کلون دارای آن مواد هست که اگر ملت و دولت دست بدست اتفاق دهند در قلیل زمان عزیت های قرون اولیه خود را حاصل نمایند

مکتبته ای که ملت و دولت ایران نیساید از نظر وقت دور دارند این است که ما تمام قوای خود جمع نمایند که در رقابت بر سر آنها بین رقبای طماع مناقشه و جنگی واقع نگردد ، چه اگر بر سر آنها جنگ واقع شد در یازود دولت غالب بجه بروی آنها خواهد انداخت

امروز اوضاع سیاسی تمام ایران خاصه آذربایجان منتهای درجه خوارتست است ، و اگر خدای تاملواسته بین روس و عثمان بر سر آذربایجان مناقشه و جنگی پیش آید بدون حصر فاقبت و حامتش ما نیز عابد خواهد شد و هیچ بید نیست که اگر فوری قشون روس از آذربایجان خارج نشود سلسله این رقابت ببدان جنگی خلیلی خونخوار منتهی گردد

پس ملت و دولت ایران راست که ما کمال دانش و منهای سیاست خویشتن را از موضوع رقابت پهلوان انگلیس و آلمان یعنی روس و عثمان بیرون کشیده نگذارند در سر آذربایجان میدان جنگ بین آنها آراسته گردد ، و این امر ملوط است بر اینکه ماحلاً اتحاد همی بین ملت و دولت قائم شده لشکر روس را قانوناً از آذربایجان جواب گویند و نگذارند در آن خاک پاک این بیاز ناپاک ریشه نماید ، و در آن صورت گمان نمیرود که دولت روس تسلط نماید ، چه پس از اتحاد همی

ملت و دولت هیچ عذر مسوموی را دارا نمی باشد و هرگاه روس تسامح در حرکت قشون خود نمود بیک بروکت جامعه ملت و دولت عتفاً راه خویش خواهد گرفت

مسلم است اگر ملت و دولت اتحاد داشته باشند با این حالت حالیه هم روس جرئت به تجاوز و اقدام بر چنین جسارت نخواهد نموده این نکته بر هیچ کس از ارباب سیاست پوشیده نیست که حالت موجوده روس قابل تجاوز هیچ قطعه نیست ، ما اگر آنها را دعوت کنیم امریست جداگانه ، هرگاه ما بهانه قانونی همسایگان خود مدعییم هیچ دولتی بقوه قهریه قدم جسارت در خاک ما نخواهد گذارد

مالجه همینکه عذر قشون روس را از آذربایجان خواستیم عود قشون عثمانی بمراکز حومه شان دشوار نیست ، مدوا ما نمیتوایم تکالیف عثمانی کنیم که قشون خود را که از سرحد تجاوز نموده بار طلبید ، چه عثمانی این حرکت را علناً برخلاف روس و بعد از تجاوز قشون و آذربایجان نموده ، و حرفش هم آنست که درجه حساب است ، چه مسلماً خواهد گفت اگر روس آذربایجان را تصاحب نماید و قشون خود بیرون نبرد دولت عثمانی را خسارات پلتنیکی و اقتصادی زیاد وارد خواهد آمد و هیچگاه عثمانی این خساره خود تن در خواهد داد ، ولی همینکه قشون روس را جواب کنیم برای عثمانی هم عذری باقی نخواهد ماند

باید دانست که اگر ملت و دولت ایران رضادهند یعنی بگذارند که درین موقع نازک روس برخلاف حق راه آهن بین جلفا و تبریز را بکشند ماده خیلی قلیظا خواهد شد ، و سپس حرکت دادن روس خلیلی دشوار خواهد گردید ، (چنانچه در منچوریا) ملت و دولت ایران باید تمام قوت خود را در جلوگیری ازین اقدام صرف نمایند و نگذارند سرمایه روس در حظه آذربایجان مانند منچوریا پاشیده شود و به توقف قشون روس در تبریز یک آن رضا دهند که کم کم سرمایه توقف برای خود پیدا خواهد نمود و مایه هزاران فساد شده بهانه جوش خواهد کرد و همین که هوا رو سردی گذاره د ساختن سرباز خواه را ضرورت خواهد دید و ووو

(سر دجه باید گرفتن به پیل)
(چه برگشته نتوان گذشتن به پیل)

ترجمه آبریش طمس ۱۷

فرمان روسی شاه اسباب توجه همه سبایون شده و هنوز ملت ایران از جوش و حروروش بیوقفاده اند، چه حصول این فرمان را از راه اجبار پنداشته و در پای بندی هواد آن شك دارند، و شاید این فرمانرا فریب تصور می کنند، و تا چند روز بعد انقلابات یا امنیت داخله ایران اثرات این فرمانرا بر طالبان ظاهر خواهد داشت

سفیر عثمانی به متحصنین طهران اظهار داشته که چون خوف جانب از آنها مریض گردیده مناسب خواهد بود که سفارت خانه را واگذارد، بصی جرئت نموده بدین اهل و عیال خود دبروز رفته اند، این نیز بیان می شود که متحصنین قوا سلطانه عثمانی در عهدان پس از اشاعه این فرمان بیرون آمده و شهر را جرافان نموده اند

مباحثات پارلمان انگلیس

در مسائل واجبه ایران - ۱۱

(مستر باسبی) از سرادوردگری وزیر خارجه انگلیس سؤال نمود - دسته تزاری که در پل (کرج) بمقابله قشون مل قزوین رفته بسرکردگی افسر روس است یا نه؟ آیا این افسر نوکر شخص شاه است یا در خدمت دولت روس

(سرادوردگری) وزیر خارجه جواب داد، سفیر روس متیم طهران بهیرما اطلاع داده که سرکرده روس که در پل (کرج) رفته بود امروز مراجعت بطهران میباید

از سؤال نمود - آیا اطلاع دارید دولت روس را اراده اینست که باسم حفاظت راه شوشه بین طهران و ازنلی قشون وارد نموده جلوگیری از ملتبان نماید؟ وزیر خارجه - چنین تصفیه یافته که هرگاه طریق عبور و مرور طهران و ازنلی که راه بسیار مهم پلنیکی و تجارتی روس است بند شود دولت روس مجبوراً تدارکات لازمه را برای گشاد راه مزبور نماید تا مخارات بین اروپا و طهران سد نشود و نیز حفاظت کند رطایبای خود را، ولی تا کنون موقع چنین اقدام و تدارکی پیش نیامده است

(۱۷)

(مستراسدیل) آیا از امور ایران اطلاع جدیدی دارید که بتوانید اعضای پارلمان را اطلاع دهید (مستر مکنن وود) معاون وزارت خارجه، از ششم می که جواب بعضی از اعضای پارلمان را عرض نمود تا کنون واقعات همه سیاسی در ایران پیش آمده سعدالقدر که بار وزیر خارجه شد و کابینه وزیرا را بطور دلخواه تشکیل نمود. اعلان مشروطیت را هم شاه داده و انتخاب وکلا را هم حکم نموده و بمجردیکه دولت وکلا در طهران جمع شود افتتاح خواهد شد، مجرمین پلنیکی را هم عفو عمومی داده اند، در تبریز نیز امنیت قائم، هنوز می توانم گفت که این اعلان مشروطیت چه اثر و نتیجه در مملکت ایران به بخشد

بیانات کرنل لیاکوف

(بوقایع نگار طمس ۱)

(۱۱)

(کرنل لیاکوف) بوقایع نگار طمس چنین اظهار داشته - عده تزاری که برای مدافعه در طهران موجود است آنچه در پل (کرج) رفته (۷۵۰) نفر اند، و سرمازان دولتی نیز عده شان (۵۰۰۰) می رسد شش مراده توب سریع الاطلاق هم در طهران موجود است، همه عده می هبط رینگد تزاری در مدافعه احرار گیلان و مختیاری کافی است مشروط بر اینکه قبل از وقت آگاهی حاصل شده و تدارکات لازمه دیده آید، شاه حبال ندارد مجدداً حکم برای جمع آوری لشکر بدهد و دولت را همه دار برار داده، چه پروگرامی که در اجرای پارلمان آنها پیش نموده بود کاملاً منظور نموده است و وقایع نگار مذکور می نویسد در جواب سؤال می که آیا دومیدان جنگ و خدمت پناه آزاد است یا نه جواب صریح داد، ولی آنچه اطلاعات خارجی حاصل نموده ام اینست، که فقط نام وی از دفتر نظامی روس خارج شده نرقی عهده و وظیفه آن را خلسی وارد نیامده است. هم رعیت روس است و هم شامل در قشون ردهب او

(کرنل لیاکوف) ارضاع آینه طهران را خوف ملاحظه میکنم، گمان او اینست که بنتاً احرار هجوم طراهند نمود چه خفتناً خلی وارد طهران می شوند

و طرف عظیم درجه آنها تا نارجک بر اهالی میروند ،
 دو اینصورت محتمل است عنان اختیار قشون دولت هم
 از دست بیرون شده به محله های اروپائیان داخل
 شوند و شهر بدست فارسیان افتد .

رای وقایع نگار طمس این است که از این واقعات
 هیچگونه پیش بندی میتوان نمود مگر اینکه اوضاع
 طهران بدتر و انقلاب تازه پیش آید

از اصفهان خبر رسیده که بین خوانین بختیاری
 مخفی پیش آمده خبر حرکت آنها بجانب طهران کاملاً
 رسیده ضمناً دست های کوچک آنها بین راه قم و
 سلطان آباد شریک دزد و رفیق قافله اند ، چنانچه
 در هرصه این ده یازده روزه آخر دو پست زده
 شده و بسیاری از مسافرین را نیز تحت محوود اند ، چهار
 نفر وقایع نگار مخصوص برای دریافت حالات اردوی
 ملتی قزوق رهسپار شده اند

تکلیف شاه توسط جنرال قوسلگری
 (نداد بحضرات آیة الله محبت اشرف)

جنابان مستطابان مقتدالامان آقایان حجج اسلام
 آخوند ملا محمد کاظم و آقای آخوند ملا عبده دامت
 برکاتهم - چون باقتضای حب وطن که همیشه مفطور
 و مجبول ذات هایون ما بوده است تشیید اساس مشروطیت
 را برای اصلاح احوال مملکت لازم دانستیم ، لهذا افتتاح
 پارلمان و احراک قوانین مقدسه اساسی را بموجب
 صدور دستخط امر و معرر فرمودیم و اینک محض
 استحضار خواطر محترم جنابان مستطابان عالی موقفیت
 خود را بتأیید این اساس اسلامی و عین دستخط را
 ذیلاً درج مینمایم که از طرف جنابان مستطابان عالی
 بموم مسلمین تالفراف شود که این عطای بی ملوکاه را
 مقتم شمرده و بمراحم مخصوصه ما امیدور باشند
 (محمد علی شاه)

حدالین - صورت فرمان هاست که در حقته
 آنیه نگاشته ام

ترجمه از (کوسپوندان) پارسی
 (مرسته يك از شاگردان ایرانی در بروت)
 ایرانیان اقدمند و اشرفند در اقوامیکه میخواهند آنها
 را در زیر حکمرانی خود بگذارند (یعنی روس و
 انگلیس) ایرانیان يك تمدن خیلی قدیم را دارا و یکی
 از مهم ترین و معمود ترین ادبیات شرق را دارا اند ،

منظومه های فارسی بطور چنین پیشتر قابل تمجید نسبت
 به منظومه های ظلم است ، نام فردوسی در قرن دهم
 مسیحی مؤلف شاهنامه ، و هم خلیام ملجم و شاعر
 که منظومه اش بالنسبه غریبه ترجه شده ادبای
 معروف شرق را بخواطر شعرا و مورخین و نویسنده
 گان می آورند ، تألیفات آنها خیالات خیلی ادیبانه را
 داراست همچنین خیالات و قواعد حکمت را اعلی بیان
 نموده بشکل ادبی مکمل و قابل تمجید در آورده اند ،
 این گونه اشخاص از قرن یازدهم تا قرن ۱۸ در ایران
 خیلی زنده می کرده اند نویسنده گان امروزی آنها هم تألیف
 های قابل ملاحظه بواسطه بلندی خیال و فصاحت و بلاغت
 و خوبی اشا دارد موقع اجازه نمیدهد که در این باب
 پیشتر بیان شود

در بند نمودن چنین قوم چه قدر مشکل است
 ملتی را که طبقات وسطی و اطالیش هموماً دارای یک
 پرورش عقلانی است که من خیلی آرزو میکنم به نیجای
 بعضی روسی انگلستان و روس مرکزی از روی تجربه
 شخصی مقایسه نمایم

زیر زمین ایران معمور است و تقریباً دست نخورده
 خراسان در شمال شرقی داراست معادن مشهور فیروزه
 نیشابوری و معادن قابل اعتنای مس و فوخال و سرپ
 و آهن و غیره را و همین معادن در ناحیه کرمان و
 خه نیز یافت میشود بلاوه ما نکاز (سنگ منی)
 زیبی نزدیک اصفهان سنگ صرمه گوگرد نیکل سنگ
 منی ما بین اصفهان و یزد تحت در دره کارون و غیره
 و غیره بسیار است

اما تنها این ثروتها نیست که اروپائیان را جذب
 می کند وضع جغرافیای ایران و زود خورد براسی
 تصاحب خلیج فارس سبب حقیقی رقابتی است که درباب
 ایران میان انگلیس و روس پیدا نموده با تمام و سایل
 بریتانیای عظمی از ابتدای معاهده ۱۸۱۵ تلاش کرده
 است که از هر طرف راه روس را بدریاسیه آزاد
 به بند یعنی دریای بدون یخ

بلنیک انگلیس در شرق يك دفعه پیش بینی از
 وصیت خود نیایه بطرح کبیر است از بکطرف راه
 روس را از رسیدن باسلامبول و مدیترانه بست و
 اتحاد انگلیس و ژاپون دوست جلوگیری مینماید از پیش
 قدمی روس به اقصای شرق در سایه این اتحاد

این اتحاد باز دایم روسان را از داشتن مری به آب گرم پسیفیک و گراتن از روس (پور آنور) را که از سنی (لارڈ سولیسوبوری) و ترس انگلیسان از تنها دو برو شدن با روسان و گذار باو شده بود. یک دل و یک جبهه به بریدن تمام راهها بدقت نگریست ولی مانند شخص ترسناک رقیب خود را انگلستان در آسیا دید آنهم رقیبی که فتوش روزی بیایستی هندرا تهدید کند با همه چیز برای جلوگیری وی حاضر گردید البته که آرایش هنگام زمستان گرفتار میخ است و کشتیهای جنگی محکم انگلیس بخوبی جلوگیری از آن میتواند نمود از طرف دیگر تمام وزرای با همت و هوشیار انگلستان عهد دارند که دست بروی خلیج فارس گذارده و بدین گونه اقیانوس هندرا بروی روس به بندند. انگلیس بموجب یک معاهده بین المللی حق هیچ برتری در خلیج فارس ندارد تنها عنوانی را که بهانه میکند ضرورت حفظ مراتب خود است در آسیا (این مقاله طول خود ولی همه اش مفید مانیست)

اطلاع نامه اردوی ملی اسفهان
(در حرکت بطهران بفرای دول متعاه)

بتوسط جناب مستطاب اجل وزیر مختار و ایلی مخصوص دولت بهبه اطریش و مجارستان مقدم السفراء دام اقباله خدمت جنابان مستطابان سفراء دول متعاه مقیمین دربار ایران دام اقبالهم. چنانچه بر خاطر مهمام شناس آنجنابان مستطابان واضح و آشکار است در ۱۵ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۴ بظرف باستطای عموم ملت ایران پادشاه مشهور مظفر الدین شاه اراک در راه دولت ایران را (کنتی نویسون) و دارای پارلمان قرار داده قانون اساسی را بامضای خود و دستخط مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی که رتبه ولایت عهد داشته صادر و مجری فرمودند

ولی بجای اینکه اهتمام و دقت صرف ترقی و اصلاح امور و حسن ترتیب مجاس شود بدبختانه پارلمان جوان ایران بحریک مفسدین قوه حربه با کمال بی رحمی منفصل و دستخط ملوکانه صادر گردید که بعد از سه ماه تاریخ انفصال که ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۵ بود با انتخاب جدید و تشکیل مجلس شروع خواهد شد. چون این وعده وفا نهد و همه روزه کار فتنه و فساد در مملکت

بالا گرفت رشته تجارت مقطوع. آسایش عمومی مرفوع. مناسبات بین الملل در مخاطره

لذا از تمام ولایات با کمال هیز و انکسار وقتی بعهد و امر با انتخابات و رفع تعطیل موقتی مجلس را از خاکپای مبارک پادشاه خود دام سلطانه درخواست نمودیم. و بطوریکه از به ملت محیب شاه برستی شایسته است مستدعیات خود را متواتراً بمرکز سلطنت ابلاغ داشته و از آنجائیکه در این مدت هیچوجه من الوجوه تصمیه در جوابی از لا و هم سرفراز نیامدند یقین حاصل نمودیم که مراضی دولتمخواهان ایشان را به پیشگاه مقدس هابون نفرسانند. و از این معنی گذشته مفسدین و خائنین درباری با هم اصلاح مملکت چنان آتشی در آذربایجان برافروختند که اینک دولتمین قویترین انگلیس و روس را دل بحال ضغنا و مسالین آن شهر سوخته رای حمایت مظلومین و رسانیدن آذوقه بسوق استعداد نظامی عبور شدند و برخلاف معاهده رساه خود عمل نمودند. در این وقت ملت ایران را غیرت ملیه و عرق وطنی بجهوش آمده برای اداره کردن مملکت خود و حفظ مناسبات قدیمه و روابط قویه که با دول متعاه دارند با تمام قوای خود حاضر شده که از هر طرف بمرکز سلطنت روی آورد و ملا واسطه مراضی دولتمخواهان خود را بعرض پیشگاه معذلت پناه اعلیحضرت اقدس هابون رسانند. و تصور اینکه مبدا اشرار و مفسدین که حفظ خود را در خرابی مملکت دیده با قوای جنگی مظلومین متظلمین را جلوگیری نمایند و ایشان را از ورود بطهران و تصرف آستان مقدس پادشاه متبوع معظم خود ممنوع دارند تاچار هر یک فراخور استعداد خود قوای رای مدافعه حاضر کرده مهیای آمدن بطهران شدهاند که با جان و مال خود در استقلال مملکت ایران بکوشند و راضی بشود که بهر اسم و رسمیکه باشد بی بکفر سپاهی خارجه در خاک ایران باز شود و زحقی بر آمان وارد آید و اینک با کمال ادب و احترام از آن مابندگان بیعرض دولتها بجهت مظلوم خواهش میبایم که مقرر فرمایند هیچ طور قوه نظامی در خاک ایران داخل نشود و توضیح میبایم که بدون هیچ تردیدی مسلم دارند که ملت ایران آنچه اقدامات میکنند برای حفظ استقلال خود و سلطنت این پادشاه ذبحاه است

اجال اخبارات کرمان

واسطه رسل و رسائل جناب حاجی سید عبدالحمین محمد لار ایلات کرمان و انتشار احکام حضرات حجج اسلام عنایت طالبات و نحو ذلکه حضرت آیت الله خراسانی و مازندران مالک ایلات عمال را جواب داده. ضابط سیرجان مستعان الملک از سید آباد با توپ و تپ فرار بزید آباد کرده. ضابط اقطاع مدد السلطان کاره به پایش خورده انکرامت فرید. ضابط بلوچستان نیز عازم شهر است. سایر ضابط طالبات قدیم را گرفته جدید را حرمت گرفتن ندارد اورا هم صک گرفته دخلی مدوات ندارد بعضی خرج شده و خواهد شد. حکومت در شش در حیرت علی العجالة موتا مشروطه خواه است ناآلر کاردوات از خطرات ورده همین شوده لاکن سارقین بی ناموس قتل مردم بای قلمه و میبندی و بچاقی و زرگر، غیره که حکم بهائم دارند در این موقع بازار را آشفته دیده درجه بی حیاتی و دناات را بروز داده قدوی راهها را با اس کرده دزدی می نمایند که نام طرق و شوارع شهر به بزد و مشهد و سدر عباس بلکه تمام راههای طوگات مسدود شده. آثار قحط، غلا ظاهر شده. گوشت نذ ریح روغن وجود ندارد اصناف و اصناف بعضی رسیدن قافله اجناس را خریده دو روز بعد بقیمه کتواف میفروشند. روغن یکمن تبریز سه تومان. قند یکمن تبریز شانزده قران اغلب بلکه عموم خلق بواسطه استعمال افیون متاد بجای و قند میباشند و آنها که واقور نمی کشند جای نیز بحیة آنها طادت شده هر حال رحال دوات و حکام و عمال نیز بعضی اینکه دست آنها از مداخل کوتاه شد فورا دست از انتظامات مملکت می کشند. اگرچه در زمان استیلا و اقتدار نیز جلوگیری از سارقین می نمودند. البته امنیت سوار و سراز میخواستند. سوار و سراز حیره و مواجب میخواستند. مردم خیال می کنند این حرائی ایران و انقلاب و مرج و مرج از مجلس است. خبر از بدو جلوس اعلیحضرت مظفر الدین شاه مرحوم وضع عموم حکام و عمال تغییر کرده قتل و نهب و تاراج خلق جزو قوانین مملکت شده اقا و احدی نمی گذارند. هر کجا قند و حلای صراف داشتند آن خانه و صاحب اورا با خاک

هموار میکردند. از آن طرف دوجه طمع بجائی رسیده که خانه سرباز و سلطان و باور را هم قارت کرده از جهل هزار تومان مواجب پنجاه هزار تومان دخل میخواستند. تصب است که امسال نیز وزیر جنگ مطالبه کرده و گرفت فقط به معدودی سرباز ناچار در اول حیره و مواجب دو سه ماهه دادند

لذا کارد رهیت باستخوان رسید قوه جنده نیز نام شد اینک ایران ملوک طوایف خواهد شد. یا بعد از چندی که بالکل هموم ملت گدا شده یا از قحط و غلا مردند شاید یکی از دولت های خارجه ترحمی خود حدود خود را که معین کرده اند تصرف نمایند. و الا این ملت جاهل بدون سبایس و علم ممکن نیست وطن و شرف خود را حفظ نمایند. مگر آنکه تا زود است مانعین معدوم یا ر سر رحم آیند و نتیجه سوه اعمال خود را بفهمند. یا طبقه وطن پرستان اتحاد نمایند آن نیز محال است ماد پیودن و آب در رهبال کردن است. رئیس ملت که مثل ملا فضل الله وری باشد و از قتل این همه نفوس اظهار بشاشت نماید و بگوید ایران محال است مشروطه شود بحیة اینکه جنده ندارد. مذاهب مختلفه دارد. ایلات زیاد دارد. و رئیس دولت که بهادر جنگ باشد بگوید شکم و کلا را پاره میکنم من شامسون منم. مجلس اقدار شاه را کم می کند. والله باقی حال ها و کتاس های خارجه به این عقول و دانش میبخندند. چه قدر انسان باید احق باشد که بحیة رشوه و دخل دو روزه دنیای قالی یا بحیة بی شعوری بگوید ایران جنده ندارد باید همین طور تاراج شود. ای احق جنده ندارد باید جنده تحصیل نمایم. تمام ملت لشکر باشد. ایلات همیت باعث افتخار ایران بوده قشون ایران بوده چه طور ممکن نیست بواسطه وجود آنها مشروطه عمال باشد

در ایران مذاهب مختلفه نیست در یک شهر بمذابی چهار صد قسم مذهب است بهر حال (دستی از غیب برون آید و کاری بکند) و الا اسباب زوال و اقراض این دولت شش هزار ساله بقدری جمع است که دیگر علاج پذیر نیست. و این خفتگان مرگ هرگز بیدار نخواهند شد. تا صبح قیامت آنها را بیدار نماید و پاداش اعمال شلیبه خود را به یابند. خداوند چشم حق بین و دل دانا همه کرامت فرماید والسلام

لايحه حجة الاسلام علانی

در تشریح مواد مشروطیت سلطنت

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله لمن هو الله والصلوة والسلام علی من
 يستحقه معروض الخوان ایامی میباشد ، که این ایام
 مسموع میشود که در طهران اطلاعاتی انتشار داده اند
 که مشروطیت سلطنت و وجود مجلس شورای ملی در
 مملکت منافی با مذهب اسلام و منافی با احکام قرآن
 است ، دولت هم باین مضر صوری معتذر شده که چیزی که
 مخالف قرآن است هرگز در ایران که مملکت اسلامی
 است جاری نخواهد شد (قاتلکم الله ان یؤفکون لولا
 ان سخطوه فتم ما یفکون لانا ان شکم بهذا سبعاک هذا
 بهتان عظیم ، یعظکم الله ان تمردوا لله ان کذبتم مؤمنین)
 اگرچه آن کسانی که دین مبین اسلام طرف و از
 مشروطیت و لوازم آن بیز ما خبرند بخوبی میدانند
 و بر همه آنها کاشموس فی رابطة الاله و واضح و روشن
 است که این فریب و افتراء وسیله پامال کردن مملکت و
 ابطال حقوق عامه مسلمین است ، و الا محدود شدن
 ادارات دولت را با اسلام و احکام متین قرآن مبین
 مخالف نیست فقط او را با اغراض شخصی کمال بیانات ،
 و با اینکه اموال و امراض و غوس مردم مثل طرمار
 در هم پیچیده شود و دست طوش خیالات فاسده
 گردد قایت منافرت و بهات مخالفت است ، و لیکن
 چون بسا باشد که صورت این اطلاعات و تکرار این
 خرافات باعث اغراض بجهل و فریب بعضی از ضفاه
 العقول جهال شود ، لهذا لازم شد که اعلاء لکلمة الحق
 و ارشاد الیجاهلین لسانی واضح گفته شود ، که مراد
 از سلطنت مشروطه در لسان همه اهل علم غیر از این
 نباشد که خیالات شاه و حواشی او خودسراه نشود ،
 که هر خرابی که خواست در مملکت بکنند بلکه بیزان
 عمل جمیع آنها از روی قانون منضبط باشد که بسواب
 دید عنای مملکت که از طرف ملت برای شور در
 این امور انتخاب کرده اند مقرر شده باشد ، و مراد از
 مجلس شورای ملی همانی است که برای مشورت کردن
 املاء ملت در مصالح و مضار مملکت مهیا داشته اند و
 وجود این دو امر در سلطنت جائزه اسلامی بر طبق

قوانین اسلام و منطبق با احکام قرآن است نه منافی
 آن ، چرا که نتیجه آن جز اطلاق سلطنت جور را
 تقید کردن و ادارات هرچ و هرچ دولت را در تحت
 میزانی مضبوط در آوردن که عملی آنها برای مملکت
 اسلامی مفید باشد نه مضر چیز دیگری نیست ، و این
 مطلب در شریعت مطهره اسلامی در تحت دو عنوان
 داخل است - یکی قایل جور و تعهد ظلمی که از دولت
 جائزه خود سر بر مردم وارد شود چکه از مصادیق
 واضح امر معروف و نهی از منکر است و وجوب آن
 با شرایط مقرر از ضروریات مذهب اسلام است دوم ،
 حفظ بیضه اسلام از تهاجم کفار و این مطلب در وقت
 صورت پذیر شود که هرچ و هرچ دولت محدودی برسد
 که مصالح ملکه بالمره مختل شود ، و قوه استمساک برای
 دولت در مقابل اطادی دین مافی باشد ، در این صورت
 تقید بقیود مذکوره که موجب انتظام مملکت و حصول
 قوه تمسک برای دولت در مقابل اطادی اسلام بود
 باشد واجب و مورد نگاه دولت اسلامی و باعث
 حفظ بیضه اسلام خواهد بود ،

چنانچه حاله حاله مملکت خراب ما از این قبیل
 است و جمیع عقلاء و سیاسیون علم بر آن متفقند و بر
 همه آنها واضح و روشن است که اگر سیاست این
 مملکت دین و تیره باشد دیگر برای مسلمین مملکتی مافی
 نخواهد ماند ، و عنقریب لوی توحید ما طوای ثابت
 مبدل شود ، چنانچه در بلاد اندلس و تونس و الجزایر
 و هند و سند و زنگبار و غیره واقع شد ، و علاج
 این واقعه هایه قبل از وقوع بحسب اقتضای وقت بغیر
 از این نشود که عقلاء و سیاسیون مملکت که در این امور
 خیر و بصیرند بخمود آیند و از خراب قضات بیدار
 شوند ، و تا فرصت از دست نرقت بیک صبه و بیک
 دهان قریاد خود را بر طرف و هرناحیه بتند کنند ،
 و اعیان بلاد را که قوام ملت و ارکان مملکت اند از
 علما و سایر اکابر و کذا رؤسای ایلات و شیوخ عشایر
 و غیر هم متلبه سازند ، که با رطاه الدین و حاتم المسحین و
 یا رجال الله و اعضاء الامه مملکت شما رفت و فرداست
 که اسیر اطادی دین و دنیای خود واقع خواهد شد ،
 و رجال دولت حالبه شما من الیاب الی المخراب از برنا
 ویر در فکر شما نیستند و جز ن آسان و شهوت

رانی و راحت طلبی مقصدی ندارند و اگر آنها را بخود واگذارید مرکز از مسق و ضرور بخود نیابند و اگر بالمرض متلبه شوند با این حالت حالیه و این ادارات فعليه قائده غشده چرا که رشته انتظام مملکت بکلی از هم گسیخته و از دست آنها بالمره بیرون رفته و دیگر قدرت اداره کردن امور مملکت و حفظ شاه از شر اجانب و اطادی برای آنها باقی نمانده و اختطاب مخون بر خود آنها حق شخص سلطنت بهتر معلوم است ، لکن بحیثه فرض شخصی خود شمارا گول میزنند و اغفال میکنند و فرسود را غنیمت میشارند ، که هر قدر بشود دست روی بزنند و ار گوشت و پوست و خون مسلمانان برای خود و اعقاب خود ذخیره بکنند در این صورت اگر هر حق اسلامی در شاه خشک شده باشد و غیرت مسلمانان از بدوار شاه بشمارت رسیده باشد باید با همدیگر متفق شوید و عقلای سیاسی دان خود را که بی فرض مانند انتخاب کنید ، که تمام امور کلنه مملکت را در تحت ضابطه و قانونیکه بحال مملکت شاه مفید باشد ، مضر در آورند و ادارات دولت و رجالیکه باسفال ملکی میشوند بصل آنها و ادارت و از طرف خود نظاری امین بر اعضاء دولت بکارید که در عمل حیانت نکند تا مملکت شاه منظم شود و از شر اشرا و اطادی دینا و دین شاه محفوظ ماند و ملخص مشروطیت غیر از این چیز دیگری نیست و خلاصه آن تبدیل نمودن سیاست مندرسه دل بخواجه مملکت است ، موازین متقنه منضبطه که موجب قوت و حفظ مملکت باشد

از این بیان واضح و روشن شد که بر همه افراد مسامین در این زمان از ظلم و عامی کل علی حسب قدره وسعه مقدوره ثابت سی و هسایت اتمال در حفظ اساس مشروطیت سلطنت ابرائ بحیثه حفظ دولت اسلامی و اعتلاء لواء اسلام در آن مملکت لازم و نهان و سستی در آن اگرچه بسکوت و ترک مداخله باشد نهان و تساهل در حفظ بیخه اسلام است و سی در تخریب آن سی در خراب اسلام خواهد بود سوذیاقه تعالی منه ، و اما اینکه در اذمان طامه از سواد مردم داده میشود که لازمه مشروطیت در هر مملکت که باشد حریت و رها بودن خلق است در

اقبال خود هرچه بخواهند و هرچه بکنند و لازمه آن ترخیص در فواحش و منکرات شرعیه خواهد بود . پس کلامیست باطل و تلیسی است ابلیسی زیرا که مراد از حریت آزادی نوع ملت است از قید رقبت استبداد پادشاه و فعال پادشاه بودن او و اهوائش در اموال و امراض و نفوس مردم ، و لازمه وها شدن از قید این رقبت و خلاصی از ذل این اسارت آزادی اقلام و افکار و مطلق حرکات و سکانات خلق است در جلب منافع عامه و دفع مضار نوبیه از طامه ملت ، و هرچه که موجب عمران مملکت اسلامی و قوه نوع مسامین گردد بدون اینکه با مذهب آنها منافرت و مناقی داشته باشد (و هذا هو معنی الحریة التي هي القوام فی مشروطیة السلطنة لا الحریة عن القیود الذمیه و التوامیس الالهیه) و تقریب دیگر و بیان اوفی و اوفر آنکه مراد از حریت در ممالک مشروطه ، خود سری مطلق و رها بودن نوع خلق است در هر چه بخواهند ولو که اموال و امراض و نفوس مردم باشد ، چرا که این مطالب هرگز در هیچ طبقه از طبقات بخنوع انسان ولو در تحت هیچ گونه مذمبی از مذاهب نباشند مستور نخواهد شد ، زیرا که نتیجه آن جز اختلال نام و فساد کلی در نظام و انتظام امور مردم چیز دیگری نباشد ، بلکه مراد از حریت آزادی طامه خلق است از هرگونه محکم و بی حسانی و زورگونی که هیچ شخص یا قوتی ولو حاکمه پادشاه باشد نتواند بسبب قوه خود بر هیچ ضمیمی ولو که اضعف عباد بوده باشد تحمکی کند و بی حسانی را و او تحمیل نماید ، مگر از روی قانون باشد که در مملکت جاری و معمول است و همه مردم از شاه و گدا در تحت رقبت آن قانون علی طریق التوسیه داخلند و حریت باین معنی از مستقلات عقلیه و از ضروریات مذهب اسلام است و ملخص آن رفع ظلم و تعدی اقویا و خلق است کل علی حسب بر ضطفاه از آنها و این مطلب مدخلی در حضرت در فواحش و اباحت منکرات شرعیه ندارد چنانچه مخالفین و جنود شیاطین در این مقام باذهان عوام داده اند

ولی چون ممالک حریت غیر اسلامی مذهب آنها اباحتی من از منکرات اسلامی است چو شرب

مسکرات مثلا و بعض دیگر را از قبل بنا اگر چه حرام دانند لکن در مذهب خود تحدی و تعزیری و حتی زجر وردعی نسبت به مرتکب آن قائل نیستند اینست ، که قانون مملکتی آنها از روی اقتضای آن مذهب آزادی مردم در آنها خواست شد ، چرا که تعرض بکسیکه مرتکب آن شده باشد در آن مذهب تعرض غیر حق است اگر چه آن مرتکب بسبب آن فعل فاسق و خاصی باشد و قناست که در ممالک استبدادیه آنها چون دولت روس هم این آزادی جاری و معمول است ، و لکن ملت ایران که مذهب آن مذهب یاک اسلام است البته مفاد حریت مملکتی آن آادی از هرگونه ظلم و تعدی خواستند که در مذهب اسلام ظلم است ، در مذهب بودا و مملکت ژاپون یا مذهب صاوی و ممالک اروپا ، و پس از آنکه در این شریعت طاهره حدود و تعزیراتی برای مرتکبین فواحش و منکرات مقرر شده و رواج و روادعی برای هر یک محسب خود رقرار گشته و بر لایق الهی و حکم محکم حضرت رسالت بنامی بر طبق آن جاری گردیده پس البته بایست در تحت قانون مملکت ایران علی طریق الله به بین القوی و الضعیف در موقع اجراء گذارده شود ، و خلاصه سخن آنکه همه مردم در ممالک حریت از هرگونه تعدی خلاص و آزاد مگر آنچه متصای قانون آنها باشد و آن قانون محسب خصوصیات ممالک و اختلاف مذاهب مختلف است ، چنانچه راهش معنی نیست مملکت ایران هم مطابق مذهب خود بایست در قانون اساسی ملی جمیع موارد اسلامیه را که هیچ نکته در او فرو گذار نشده و شرف و همت دین و دیای همه مسلمین در حفظ آنها است در همه نشانند و ملخص آن قانون دو شعبه راجع شود ، یکی اشغال ملکیه و ادوات دولتی که بصواب دید امانت ملت محدود و مضبوط شده ، دیگری حدودیات و سایر سیاسات بوجهی که بایست مطابق آنچه در شریعت مطهره مقرر شده ملحوظ نمایند و بدون اختلاف و افتراق ما بین ظلم و ظمی و قوی و ضعیف و وضع و شریف در تمام بلاد ایران معمول و جاری دارد ، باین معنی که هر کس که بر هر عنوانی از عناوین شرحه یا عرفیه وارد شده باشد در اجراء آن حکم فرقی ما بین هیچ یک از مصادیق آن گذارده نشود ،

مثلا زان حد مبغور هر که باشد ، قائل بقصاص میرسد هر که باشد ، سارق دست او بریده میشود هر که باشد و هكذا ، در عناوین دیگر هر کس که در تحت آن عنوان داخل شد حکم آن عنوان بر او جاری است ، شایه باشد یا گدا عالم یا جاهل قوی یا ضعیف چنانچه در صدر اسلام در تمام ممالک اسلامیه معمول و جاری بود ، و مراد از مساویگی در این دوره گفته میشود همین معنی است که از ضروریات مذهب اسلام است آنچه که بعضی از شیاطین الهی تحریف کرده اند و با کمال وقاحت و بی شرمی ما بین مردم نشر داده اند که مساوات در مشروطیت یعنی آنکه جمیع عناوین مختلفه که حکم آنها مختلف است از مابین مردم برداشته شود و همه خلق یک جوب راند شود ، مثلا حاضر و مسافر در حکم یکی باشد و هكذا فاسق و عادل محتمد و طمی و غیره (قائلیم الله می شود ، در نصیحة علی الکاتب و الاسلام علی خلق المؤمنین المجهدين و اعلا و کلمة الدین رحمة لله برکاته و قد حررت به العلم فی اودی المدینس فی البعثة المبارکة من حسب الطور الاعلی فی العبد لقلیل محمد اسمعیل الفروزی المجلدی)

فی بسم محرم الحرام ۱۳۲۷
عمل مهر مسارک حضرت مستطاب عماد الاسلام
آقای شیخ اسمعیل عنهد مجلای الفروزی دام طه العالی
شریط حصرات ایتا الله بر لایحه مذوره

(بسم الله الرحمن الرحيم)

این لایحه شرعه ر که جناب مستطاب شریفتمه ر سفوة الفقهاء و المجهدين لاعلام فقہ الاسلام العالم العامل والنبیه الکامل آقای الشیخ اسمعیل عنهد عنفی علانی دامت برکاته در کشف حقیقت مشروطیت و شرح مفسد استبداد دولت برای تبه و نذار برادران امانی مرفوم و تمام حوائت لازمه را به بیان وافی کاینبنی استنباط و استقصاء فرموده اند براسی تبه و التفات فی فرضان و صاحبان غیرت و حیث دینیبه کاملاً وافی و رجوم و ساوس شیاطین و ممالکت فروشان اسلام است انشاء الله تعالی هموم اسلامیان منتقم شایند و شرح احکام صادره از این حکم شرع نور و شدت اهتمام و جهد مان راد این باب که فقط نه محض تقلید ظلم و قطع بدعتیات جا برین است بلکه عرض اصل حفظ

بیضه اسلام و تخلص ممالک اسلامی از تسلط کفار است
هم از بیانات مشرحة ایشان استفاده نمایند و بوزارت
تعالی و حسن تأیید باغاقی کله مایه این اساس سعادت
را استوار و دین وسیله این قلیل باقی مانده ممالک
اسلامیه را نگاهداری نمایند

من الاحقر الحان محمد کاظم الخراسانی
و من الاحقر عبادة المازندرانی

شماره نامه با لیوز انگلیس در بوشهر

در طی اعلان که بتاريخ دهم ماه اپریل ۱۹۰۹
مطابق نوزدهم شهر ربیع الاول (۱۳۲۷) از طرف
بالبوزگری دولت هیئت انگلیس قبل از پیاده شدن
عساکر از چهارمات جنگ دولت هیئت مذکوره صادر
گردید بمحوم اهالی اعلام شد که بمجردیکه امنیت جبهه
فوس و اموال رطایب انگلیس و خارجه حاصل گشت
قتون مزبور عودت خواهند یافت .

از حسن تجدید مشروطیت که اعلیحضرت افندس
هایون پادشاه ایران دام سلطانه اعطاء فرموده اند و از
بمن استقرار جناب جلالتاب دریابیکی سردار بسمت
حکومت اکنون تصور می رود که با این وضع حالیه رداشتن
عساکر ممکن میباشد و حالاً بهمین طریق رفتار و عمل
گردیده است

بنابر این رعهده اعضاء خیر اندین ملت ایران
در بوشهر لازم است که متصفاً مسامی خود را بر این
مصروف دارند که نگذارند حالت اختلال اموری که
پیاده شدن عساکر را لازم مینمود تجدید بیاید فی
ماه می ۱۹۰۹ مطابق شهر جادی الاول ۱۳۲۷

بالبوز و جنرال قونسول دولت قویشوکت هیئت
انگلیس مقیم خلیج فارس و خوزستان وغیره

جبل المتین

ما در بدو هیجان ملی بوشهر مخالف با حکومت جناب
دریابیکی بودیم ، چنانچه در آثار جنبش ملی بوشهریان
خطوط عدیده درین موضوع هر نقطه نگاهتیم ، ولی
بعد از آن واقعات مؤلفه که گذشتی ابراز را مرا
گرفت معلوم شد

(خود غلط بود آنچه ما بنداشتیم)

خاصه وقتی که تلگراف حضرت آیات الله خراسانی
را دیدیم

در مدت قلیل نظر به بصیرت کامله که دو حکومت
بناهر دارند جناب دریابیکی که تاریخی که بوشهریان
بروی ایران نهادند کاست ، و در خروج قشون
بحری انگلیس حسن توجه تمام ملت ایران اهم از خارجه
وداخله را بطرف خود جلب نموده ، و ما امیدواریم
که این نام نیک تاریخی را هماره برای خود برقرار دارند
در ماده سرکوی اشرار تنگستانی بقصیده ما دقت
و تأمل لازم است ، و باید به نسبت آنها را رام نمود
چه درین موقع نازک اینگونه اقدامات ولو بحق هم باشد
تا حق طوه خواهد نمود ، و نتیجه خوب حاصل
نخواهد کرد خاصه بعد از عفو عمومی و آن درجه
عدم اطمینانیکه مات از دولت حاصل نموده ، و در
حال مجبوریت و حکم صریح انجمن ولایتی مناسب آن
خواهد بود که بالأساسه متصدی امر نشوند ، انضباطنامه
از شخص ایقان نفوذ ، و این نام نیک تاریخی (که
بصرف کروهها حاصل نمی شود) و بی خون جگر
ایشان را بدست آمده لکه دار گردد ، و ما درین موقع
از صمیم قلب ازین خدمت ذی قیمت جناب دریابیکی
تشکرات خالصانه عموم وطن خواهان را تقدیم مینمایم

نقل از روزنامه شریفه زاینده رود

لایحه ایست از طرف فرزند فرزاه و یگانه

- (وطن خواه اسلام پرور حضرت حاج علیقلیخان)
- (سردار ملی ایران که بانجمن محترم ولایتی)
- (اسفهان مرقوم و تقدیم داشته اند و روز)
- (پنجشنبه شهره شهر حال در انجمن)
- (قرائت شد و اینک برای طلاع محرم)
- (برادرانی در این نامه وطنی درج میشود)

خدمت ذیشرافت اعضاء محترم انجمن مقدس ولایتی
دام بقائه عرض مینماید ، چنانکه سابقاً عرض و اظهار
شده تهیه حرکت اردوی بزرگ مرکب از ده هزار
سوار و پیاده دیده شده و همأ فریب حرکت مینمایم و
اینکه فی الجمله تأخیری در حرکت بنده پیدا شد برای
این است که بنده بدوآ خیال داشتیم فقط با دو هزار
نفر سواره منتخب حرکت کنیم ، ولی حالت هیجان
افراد ایل و دایو طلبی آنها در خدمت و جانشانی
در راه مات مرا مجبور کرد که چند روزی توقف
کنم تا لوازم حرکت آنها را مرتب نمایم ، بلاوه کسالت

مزاج جناب مستطاب اجل آقای سردار محترم ایشان را از سرعت سیر محاسنت نمود، و البته خاطر محترم آقایان مسبوق است که تیره حرکت ده هزار نفر سواره و پیاده چه اندازه صعوبت دارد ولی از خوش نعتی ملت تمام موانع رفع شده و روز بروز دسته دسته از اطراف میروند و سان میدهند و نواقص خود را در جوتقان تکمیل نموده طرف شهر و مورچه خورت روانه میشوند، خود شده برسدن سردار محترم که تقریباً تا دویم سیم ماه ربیع الثانی وارد خواهند شد ما سوارهای منتخب که ما ایشان و نور چشمی سردار بهادر از گرمسیر حرکت کرده اند روانه خواهیم شد از فرار مسموم بعضی از سردطان شورش طباب اصفهان که خود را هواخواه دربار میدانند مردم ضعیف النفس اصفهان را از اردوی دولتی کاشان میترسانند خیلی محل حیرت است که مردم اصفهان این منحرقت را باور میکنند و از اردوی موهومی دولت میترسند یا خیال میکنند من این همه تیره را برای مدافعه از اردوی دولتی سرتاب میکنم یا در مقام تیره احتیاجی مردم اصفهان دارم

اولاً اردوی دولتی قابل توجه نیست و حساب مستطاب اجل آقای حاج خسرو خان و آقای سالار حشمت با استعدادات کافیه که در مورچه خورت هستند با نهایت سهولت آنها را متفرق مینمایند

ثانیاً فرض اصلی بنده از تحمل این همه محنت اصلاح حال کابینه مملکت و آزادی تمام ملت است

ثالثاً بهیچ وجه احتیاج بهماوت مردم اصفهان ندارم و من محکم وجدان و شرط اسلامیت خودم انجام این امر بزرگ را بر عهده گرفته ام و تا یک نفر از پنجاه هزار خانوار ایل بختیاری زنده باشد از انجام آن مقصد بزرگ دست بردار نیستم خواه مردم اصفهان همراه باشند یا مخالف باشند، و صریحاً مینویسم غرض غیر از اجراء احکام مقدسه آیات الله نجف اشرف و سایر علماء اعلام دامت برکاتهم در اعاده مشروطیت و رفع تعطیل موقتی مجلس شورای ملی ندارم، و با دولت طرف هستم نه با سلطنت مهادت دارم، نه خیال سلطنت دارم نه هوای حکومت، هر وقت حقوق منصوبه ملت بآنها مسترد شود با نهایت خلوص مقیدیت بدولت خدمت

میکم، جملاً استدعا میکنم مردم اصفهان حالی کنید که از هیچ چیز اندیشه نداشته باشند، و بدانند بسیاری امام زمان عجل الله فرجه بزودی مقاصد مشروعه ایشان برآورده خواهد شد

(فدائی ملت محیب ایران علیقلی بختیاری)

●●●●●

زنده باد حاجی علیقلیخان - پاینده باد همت مردان - سرافراز باد ملت ایران - ما در این مقام جز توسل ذیل عصمت و کثیبت جبل القین برکت و عنایت ائمه دین علیهم سلوات الله اجبین خدمتی نمیتوانیم که از آن حواص و حدود و مظاهر رب و دود مسلمات و درخواست بنام بر توفیقات این فرزند رشید ایران و نجات دهنده ملت و سامان یغزاید، سعادت را ملازم رقاب و نصرت و اقبال را طلایه دار و پشتار جیش ملت نوازش فرمایید، چیزی که در این وقت از توضیحات حضرت ایشان درخواست مینمایم و با کمال سرعت و انکسار انتظار میبریم هماغه سرعت در حرکت و تسجیل در مقصود و مقصد است زیرا که تأخیر در حرکت موجب آفت است، و خود میدانند که دست فساد در کار است و چشم فتنه بیدار

➤ زاینده رود ➤

در این مقام لازم میدانم یک نکته مهمه که در این مرقومه شریفه رفقذ کلام گهر سلک این بزرگ مرد سیاسی شده است توضیح و تشریحی بنام تا برادران عزیز بدانند، توقف و انتظار ایشان در تشریف فرمائی حضرت مستطاب اجل احکرم آقای سردار محترم بی موجهی نیست و خالی از اهمیت نمیباشد

همه میدانند که از بدو امر یعنی از روز قیام حضرت مستطاب مصاص السلطنه مدظله بجهت حقوق ملت و توجه اصفهان فقط چیزی که اسباب خیال مردم و علوان تشویش اذهان بود همانا اندیشه و بیم مخالفی از همین مرد بزرگ و همین سردار منظم و برادر دیگرشان حضرت سالار اشرف دایم اقباله بود، که مباد نظر باستقامت حضرت مستطاب امیر مفضل برادر محترم ایشان در حمایت استبداد و مخالفت با مظلومین ملت و توقف در اردوی کاشان این دو جوانمرد ملت دوست آزادی پرور فریب شیطان را خورده خود را از این

جیل دهاد

از طرف دیگر حضرت مستطاب اجل سالار اشرف که جوانی کار دیده و هوشمندی عزت پشه است همینکه اتفاق و محبت برادر اکرم خود را با آن پسر هم معظم در کاشان شدید و این دولت و سعادت را از دور دید دیگر طاقت نیاورده خود داری نتوانست در محبت حضرت مستطاب اجل اکرم افضل آقای سردار ظفر دامت شوکه بخورچه خودت آمده در آنجا هم توقف و انتظار را جایز ندیده یک سره بچهار حال و شرف خدمت پسر هم اکرم و برادر امجد انجم شناخته که در این خدمت شریف و جمع آوری نظام وردیف از حریف باز نماند و از این شرافت محروم نگردد این است که زینده رود از طرف خود اسباب و از جانب هموم ملت مظلوم ابرام و کلاه از محبت مرده و غیرت مقلان این دو برادر والا گهر و این دو محفل برومند تشکرات صمیمی تقدیم میداریم، و بوجود مبارک ایشان اقتضای میکنیم، و اتفاق آنان را در این موقع با اهمیت تاریک با بنی اعمام خود یکی از علائم سعادت و خوشبختی ایران میشماریم، بلکه مخصوص از سالار اشرف بیشتر تشکر داریم که مواجید هر قوی و غیر هم شیطان فریب این دربار محوست آثار فریفته شده پشت بظلمت استبداد و روی باوار علم آرای حریت آورده حمایت این بچارگان مظلوم و بیوایان مهموم را در عهد گرفته، و هیچ شک نداریم که فرشتگان رحمت او را بخیر و برکت دطاء میکنند و ملت ابرام او را بمر و محبت میستایند و دوام اقبال و شرفش را از خدا میخواهند، این نکته را هم ناگفته نگذاریم و نگذاریم از اینکه جناب مستطاب اجل اکرم امیر معصوم دم اقبال بلا شک خود را از این نعمت اتفاق محروم نخواهند گذاشت و چنان نیست که جنم از حقوق ناشئه ملت پوشند و دست از حقوق طویشاوندی و ایلیت بکشند و ریاست جیش این زیاد را بر عهد بگیرند تهست را پشت پا زده بجهنم روی کنند، و یک شکی را باید بر خود ببینند، بلکه یقین داریم بعضی ورود سرداران شجاع و رؤساء بزرگوار ایل جلیل باصفهان بلاد رنگ بایمان خواهند پیوست و عهد مودت را خواهند شکست

شرافت اهدی و سعادت سرمدی محروم گذارند، و با پسر هم اکرم خود حضرت مستطاب اجل حاجی علینبختان دامت شوکه همقدم و همزمان نشود، زیرا اگر قوه ایلیت و استمداد و اهمیت ایل جلیل بختیاری را ما در میزان تعدیل به سفیم نمی از آن قوه و استمداد با بن برادران است، و بسا میشود که مخالفت ایشان نوابه بی اشکالات و موجب بی مفاسد میگردید، و ممکن بود بکلی ما اربابان را از این نعمت و ایل بختیاری را از دولت این سعادت محروم میگذاشت، ولی خدا را شکر و محبت مرده این دو برادر والا گهر و این دو جوانمرد و غیرت پرور را شکر که خود اطراف کار را بدیده بصیرت و عقل دور اندیش دیدند و سلجیدند، و سعادت خود را که در پشت این برده مستور بود نتف نمودند، از یک طرف حضرت مستطاب اکرم سردار محترم محض ورود حضرت مستطاب اجل سردار اسعد بحمره و هرستان و اطلاع بر نیت پاک و محبت مرده ایشان میبطلور خود داری ننگ کرده مرده قدم در میدان گذاشته دست شفقت را از آستین صیوت بیرون آورده بر سر برقی این ملت بی سروسامان مبادرت فرموده با پسر هم ارشد خود همخان و همجیل حرکت کرده بجمع آوری سوار و مردان جرار پرداختند، و از آنجاییکه این ملت بچاره هیچ وقت نتوانست کاملاً از سعادت و خیرات کامیاب شود در همچو موفی باریک جراحی سخت و دمی ردیج بدن مبارک ایشان را رجور داشته از کار بار داشت، چنانچه از قرار اطلاعات صحیحه جور سواری مقدور بوده در گجاوه نشسته بهر طرف در حرکت و مشغول تشجیع و ترغیب رؤساء ایل و جمع آوری سوار میباشد، و ما از خدمت طلبیم که وجود مبارک این سردار شجاع را از کل مکاره محفوظ داشته رفیع تمام ناملاجات را از ایشان فرموده سابه محبت مرده شان را بر سر این ملت پاینده دارد، و رضا میدهم که اگر روزی هم در حرکت حضرت اجل سردار اسعد دامت شوکه تاخیر رود البت تامل فرمایند و مصاحبت و سرافت ایشان را مقنم سازند، که این مرد رشید بخاطر این پسر هم از آن برادر گشته، و چنین شجاعی مرده فرموده است که خدایش اجری جزیل و طبری

نقل از روزنامه شریفه خراسان

تلاکراف از طهران ۲۰ ربیع الثانی

بروسای ولایات - چون اراده ملوکاه را این قرر گرفت است که مشروطه محدود معین ملت مرحمت شود اینست که من مؤده آن را پشما میدهم که مجامعی لازم اطلاع دهید با انشاء الله قانون انتخابات نامم برسد و آوقت رسماً از طرف فرین الشرف ملوکاه دستخط خواهد شد - مجالتاً برای اطلاع شما نوشتیم .

(مخبر الملوكه وزير تلاکراف ریست)

تلاکراف از مشهد بطهران

(۲۲ ربیع الثانی)

جناب مخبر الملوكه در خصوص مشروطه محدوده معین که آن را خواهند داد ، تلاکراف کرده بودید ، دولت ایران از زمان شاهنشاه مرحوم مشروطه بوده و هست ، و نظامنامه انتخابات و قانون اساسی هم داریم و تغییر و تبدیل يك فصل آن محال است ، مشروطه بودن دولت خود تحدید است ، و محدود بودن و غیر محقول ، بنسب علیه نتیجه این تلاکراف حز بهیج ملت نیست ، چه وجه من الوجوه تصور همراهی با این تغییرات خواهند نمود ، و تسکین میبجان فقط بتصریحات و تغییرات جایه است که زك از دل بزاید ، چاره مساعدت و اهتمام در انضاد مجلس مقدس و شروع باحرای قانون اساسی است

(انجمن ایالتی خراسان)

تضمین وطنی

جیش ملی آبد از سوی صفاخان غم مخور

بصرحق ظاهرشود زاحوان گیلان غم مخور

رفت اگر مجلس بیاد از کیدگران غم مخور

بوسف کنگشته از آبد بکلماز غم مخور

(کلبه احزان شود روزی کلاستاف غم مخور)

از تو هر جوری که شد شاهها با رما گذشت

فکر خود کن کاقتاد از ازام رسوائت طشت

جوخ بر نیرك چندی گر ترا همراه گشت

دور گردون گرد روزی بر مراد ما نکشت

(داناها یکسان نماند حال دوران غم مخور)

گر بهارستان خزان شد چند روری نیست عیب

هر خزان را بهار آبد زهی بی شک و ریب

باش کابیت بر آبد سر بر آر از جاک جیب

هان مشو نوید چون واقف با زاسرار هیب

(باشد اندر برده نازهای بنهار غم مخور)

اختر مشروطه فائز به شود دل بد مکن

باغ آزادی نهالش به شود دل بد مکن

مجلس شوری مآلش به شود دل بد مکن

این دل خمیده حالش به شود دل بد مکن

(این سر شوریده باز آبد سلطان غم مخور)

ملکوت ظلم اگر رگرد آزادی تند

روخ ما دست استبداد اگر سیل رود

ای وطن جامت گر ارسنگ حوادث بشکند

ای دل از سیل قفا بنیاد مستی بر کند

(جون تو روح است کشتیان رطوقان غم مخور)

ماش تا بار دگر خندد گل و روید سمن

ور گل مشروطه گردد ملک جون کان بمن

سزۀ فرو عدالت روید از دشت و دمن

گر بهار هر باشد باز در طرف چین

(جزگی بر سر کشتی ابرخ خوشخان غم مخور)

ای نکته رهسپار کوی آزادی بچم

جلب مقصود و از کید دادیشان مرهم

راه آزادی است راه کعبه و مجلس حرم

در پیاپان گریشوق کعبه خواهی زد قدم

(سرداشما گر کند خار مقلان غم مخور)

بخاره مشترکه از طرف قواسم لگربهای

(دولتین برینین انگلیس و روس)

(رؤساء جماعت ملتخواهان)

اعلیحضرت اقدس هیون شاهنشاه ایران صاحب خیر خواهانه مشفقانه دولتین فویشوکتین انگلیس و روس بتوسط وزیر مختاران آن دو دولت فویشوکت مقمین طهران استماع و قبول فرمودند و مشروطه ایران را که اعلیحضرت واکه مبرورش اعطاء فرموده بود تجدید نمودند ، از برای معظم البها که حسب الامر دولتین ملینین متبوعه خودشان بجهت يك بحق زمان آینده ایران در این کار اقدام کرده اند امید است که پشمانی حاصل نگردد

امید معبود که انشاء الله اکنون جمیع مجادلات و

منازعات اختتام بیاد ، و بجهت کسانیک از براسیه

مشروطه ایران با اسلحه جنگ میگردند بعد از آنکه
اعلیحضرت شاهنشاهی موعومی داده اند اگر نمیخواهند
اشکالی در این کار واقع بشود شایسته است که بر پایه
و آوردن مشغول امورات شخصی خودشان بشوند.
بدیهی است که با حصول این شرط البته اشخاص سیاسی
دان ملت ایران میتوانند فکر و تفکر نمایند که با توجه
جاده و دادیه دولتی قویتر و کتب باللسبب بدوات و
ملت ایران زمان آینده ایرانیان شامل همه نوع ترقیات
و خوبیها است

حبل اللین

(در میان قمر دریا نخته بندم سکرده)

(بار میگویند که دامن زرمن هوشیار باش)

ایرانیان با آواز جاسوزی که قلوب طلبیان را بدرد
آورد از دایگان مهربان تر از مادر یعنی حسابگان
خوش بیت خود نه خواستند و سلطنت دارند. نه
تضای دخالت، عجب هنگامه و فریب ابتلا بر اسب
ایرانیان پیش آمده که ملت ایران آنچه امتناع از وساطت
خیر خواهان آنها میباید بخرج نبرد

ما از این اعلان هیچ ضمیمه ای بی اغراض
پلتیکی خداوندگان پلتیک را ما نباید هم ضمیمه. این
اعلان بجای اینکه ملت را مطمئن سازد سلب اطمینانها را
می نماید. این اعلان بوض اینکه اتحاد در ملت و
دولت تولید کند تقار و اختلاف ذات الین را زیاد
میکنند. این اعلان بجای اینکه ملت را بشارت مشروطیت
دهد معنأ ابطال مشروطیت سه ساله ایران را میکند.
ازین اعلان آنچه ما میضمیم دو نکته است

اول - بخواهیم بدانند که مشروطیت را ما حاصل
کرده ایم و آن همه فداکاری مجامدین را باطل و باطل
ظاهر نمایند. تا باین وسیله آن فریقه از دولتیان در
مدافعهای بیجا حاصل شده زائل کرده ولی غافلند از اینکه
(بیرون میتوان کرد الی بروژکاران)

دوم - میخواهند باین گونه اعلانات، قیومیت
موعومی خودشان را بر ایران که در عهدنامه معین
کرده عملاً بر طلبیان ظاهر دارند.

ملت ایران با صد ها پروتست ظاهر داشته که
در احتیاج حقوق حقه خود واسطه ضرورت ندارند، شفیع

میخواهند صلح کنند خود خواهند کرده جنگ نمایند
خود خواهند نمود

این نکته را هم ناگفته نمیتوان گذارد که اگر این
اعلان برای اطمینان ملت است قطعاً نتیجه معکوس
می بخشد. چرا که اتحاد روس و انگلیس را کاملاً
دانت و جنگهای زرگری را هم بین دولتیان نهیبده
اند. از طرف دیگر حتی اطفال مجز و عروسان در
حجال داشته اند که مجلس مقدس ایران بتوب روس
خراب شد و صد هزاران قوسیکه درین مدت یکسال
کشته شده همه شهید اغراض روسیان گردیده و هنوز
وسایس روس در دربار دارد کار میکند. و عتناً
می بینیم که دربار ملو از روس و عمره جمیع حرکات
باسم شاه آنها هستند. درین صورت این اعلان تا چه
اثرات معکوس در قلوب ملت به بخشد و چه
قدر اطمینان ملت را ازین مشروطیت دور دارد
لازم به بیان نیست. این اعلان در حقیقت بی کم کردن
و حکم نعل و الاگون زدن را دارد

فقط نتیجه که می بخشد عدم اطمینان ملت از
فرمان مشروطیت و دامن زدن ایران مخالفت بین ملت
و دولت است. و با این دستهای پلتیکی که در کار
است کمان نبرد بگذارد بین ملت و دولت اتحاد قائم
گردد. باطل السحر این رنگرزیها هما اتحاد ملت و
دولت است و اتحاد ملت و دولت هم وفق حاصل
خواهد شد که آنچه از ملت گرفته شده صادقانه بآنها باز
داده شود. ورنه (ما کم کنیم چاکری و شاه سروری)
هرگاه مناقشات ملت و دولت ماحلاً رفع نشود
حسابگان خود خواه ایران را میدان تکابوی اغراض
سیاسی و رقابت های پلتیکی خود قرار داده در آن میانه
بای مال خواهیم گردید

درست غور و تأمل باید کرد که پهلوانان انگلیس و
آلمان (یعنی روس و آلمان) چگونه آذربایجان را
ورزش گاه خود قرار داده اند. خوبست ملت و دولت
هر دو نتیجه این امر و نظائر آن را بدقت ملاحظه
نمایند و رفع این مناقشات جز به سپردن حقوق ملت
نخواهد شد. باز هم تکرار می تا اجم که درین مناقشات
(ما کم کنیم چاکری و شاه سروری)

ترجمه روزنامه طمس

(۱۷ می - ۲۱ ع ۲)

ملاحظه کتاب آبی (بلوک) که وزارت خارجه اشاعت داده از تمام واقعات ایران از دسمبر ۱۹۰۶ الی نوامبر ۱۹۰۸ کاملاً آگاهی حاصل میشود ، این کتاب عملی واقعاتی است که در انقلاب ایران واقع شده و برای تحقیق حالات تاریخی این دوره بسیار نافع است. از ابتدای مشروطیت ایران تا مداخلت دولتی انگلیس و روس که باز مشروطیت در ایران قائم شده تمام واقعات را داراست. حق اینست که بواسطه مداخلت دولتی روس و انگلیس شاه رضی گردید همان پارلمان را که در دسمبر ۱۹۰۷ بود در ایران در نیاید ، چیزی که قابل غور میباشد همان اتحادی است که بین دولتی روس و انگلیس قبل از امضای معاهده در معاملات ایران قائم شده ، چنانچه در دهم فروری ۱۹۰۷ (سر ادورد گری) وزیر خارجه تلگرافی (سر ای - نیگل) بدین عنوان نموده : ما موافقت داریم با (سر سی اسپرنگ رابین) در شرکت امور داخله ایران و شاه این امر سفیر روس را آگاه نماید ، خیال ما اینست که مداخلت مسلحه در امور ایران نشود ، در جواب این تلگراف سه روز بعد روز بوزر خارجه از سفیر پترزبرگ چنین جواب رسید : وزیر خارجه من اظهار داشته که عقیده دولت روس اینست که برهیز نباید از مداخلت در امور داخله ایران و تا ضرورت پیش نیاید مداخلت مسلحه نخواهد نمود و از دور نگران به امور ایران خواهد بود و با خیالات دولت انگلیس توأم حرکت خواهد کرد ، ازین مخبرات معلوم میشود که دولتی انگلیس و روس در معاملات ایران از قبل مساعدت توأم به مسأله اختیار نموده ، و در مسائل راحه ایران کلمه بشوره و سلاح یکدیگر اقدام کرده اند و هیچیک بدون رضای آن دیگری حرکت نموده .

بزرگم می نویسد - وقایع نگار اینکه راجع به تحقیق حال قشون ملی قزوین رفته بود خبر میدهند ، اردوی بسیار جیبی برای حمله بطهران در قزوین بجهتند ، این اردو با ساز و برگ کامل و اسلحه و سواران بسیارند و حالت طالبه نگران این

اردو خیلی مطمئن بختی است ، گاندان این اردو اصلاً سیدار اعظم است که سرداری بک از اقله این اردو را مأمور نموده است .

در اسفهان سه هزار سواران بختیاری مجتمع شده مصمم حرکت بطهرانند و این امر محقق شده که بختیاریان و اردوی گیلان بیک نقشه حرکت می نمایند ولی نقشه حرکات خویش را مستور داشته اند

در مداخلت دولتی بمسئله تبریز اوراق گنجینه رده از دست شاه افتاد و با صحبت دولتی خویشی را از خیالات اولیه علیحده ساخت ، پروگرامی را که دولتی تقدیم شاه نموده بود کاملاً منظور و در زبان قابل مواد همان پروگرام بموقع اجرا خواهد آمده اهالی طهران تا کنون ناراضی خویش را اظهار داشته و موافقت آنها با قشون ملی که از خارجه بطرف طهران می آیند ظاهر است ، چون شاه از دخالت دولتی ضعیف گردیده میدان بدست آنها پیش آمده ، دولتی را که شاه دوست خود تصور میکرد (روس) خلاف آن ظاهر شد ، چه او از شاه تهدیدات مصاد ملی را خواستگار گردید و خواه خواه نیز شاه آن خواهش را تسامح نمود ولی چیزی که احرار طالبند همان سبکدوشی شاه است . حرف اینست که آیا ملتبان قابل انضمام امور سلطنت هستند یا نه ؟ و این مسئله است که باسانی جواب نمیتوان داد ، فعلا حرف اینست که آیا دولتی تدارکی خواهند نمود که میزان اعتدال در کار آید ، یعنی آن اعتدالی را که خود شان برهم زده اند قائم خواهند نمود یا خیر ؟

ترجمه دلی نیوز لندن

(۱۷ می - ۲۱ ربيع الثانی)

کتاب آبی (بلوک) که دیش از وزارت خارجه اشاعت یافته واقعات بسیار همده را از حالات تاریخی ایران حاوی است ، از ملاحظه این کتاب ظاهر میگردد که هشت ماه قبل از امضاء معاهده دولتی روس و انگلیس که در (۱۹۰۷) بسته شده در معاملات ایران متفق و در امور مهمه توأم اقدام نموده اند ولی در قالب مقامات حکمت عملی روس نمایندگان انگلیس را آله پیشرفت مقاصد خود در ایران ساخته است اگرچه دولت انگلیس روس را از بک مرتبه

ریاست جلوگیری در فرستادن قشون ایران نموده ولی طاقت (مسبو الواسکی) وزیر خارجه روس نتوانست از این مداخلات خود را باز دارد، و همچنین در جلوگیری سفیر روس و (کرنل لیساکوف) که ملنا طرفداری از شاه می نمودند هماره تسامح رفته است، و بطریق وثوق خبر رسیده در آن ایامی که مصمم بودند توپ بهارت پارلمان ایران به بندند ملتیان را فقط این خوف دامنگیر بود که اگر در مقابل دولت استقامت نمایند نظر بر اینکه روسیان در کار اند ممکن است یکی از آنان کشته شود و بهانه مداخلات برای روس گردد و اگر مدین ملاحظه نبود کامیابی دولت این سهولت میسر نمی گردید (چنانچه درین اواخر این نکته بخوبی ظاهر شد)

مسئله و حکمت عملی انگلیس از تلگرافیک بین شاه و (ادورد هفتم) در ۲۹ جون (۱۹۰۸) رد و بدل شده و شاه از حرکات ژارژدفر انگلیس بلاواسطه شکایت نموده بود بخوبی ظاهر میگردد

تلگراف شاه به پادشاه انگلستان

نایب سفیر بنی (ژارژدفر) اشرار و اجاس را سفارتخانه دعوت کرده و آنها را بنام داده است، این عمل حاشین سفیر دولت عقیده علانیه مداخلات در امور داخله ایران است شکی نیست اگر بجای این حاشین سفیر وزیر مختار دانشمندی مانده وزرای مختار سابق در طهران بود هر آینه دروازه سفارتخانه اعلیحضرت شما را بر روی اشرار و مفسدین نمیکشود..... الخ با این واردات نه بطور رساه بلکه دوستانه از اعلیحضرت شما خواهش دارم که بحیثیت برادری که فیابین مستحکم است (به ژارژدفر) امر فرمائید که از اینگونه نامناسبیات احتراز نموده سد توفیقی برکردار مؤمن الیه طرح فرمائید

جواب اعلیحضرت ادورد هفتم

(اعلیحضرت شاه)

(۲۹ جون ۱۹۰۸)

من هیچگونه استقاده و مقصود از مداخلت در مملکتیکه امیدوارم که شما در آن بحیثیت سلطنت مشروطه و شوروی سلطنت بران با عدل و انصاف و مروت باشید ندارم، هیچ کس اشرار را دعوت نکرده که در

سفارتخانه ما پناه گیرند..... الخ، خود اعلیحضرت شما دوست میدانید که در مملکت شما رسم نیست که پناه جویانیکه بی جرم و جنایت اند آنها را پناه نداد فقرائیکه در تلگراف اعلیحضرت شما ذکر شده بود که (ژارژدفر) اشرار را بسفارتخانه مالدعوت کرده کلیه از حایه راستی و صداقت طاری است، محاصره کردن سفارتخانه ما و گرفتار کردن کسانی که از آنجا بیرون میروند بدست سرباز محاصر خود دلیل بری احترامی و توهین است که هیچوجه نتوان از آن چشم پوشی نموده گذشت کرد مادامیکه فوراً تدارک برداشتن محاصره و توقیف گرفتاری کسانی که از سفارتخانه بیرون میروند نشود ما و اعیان دولت ما با نهایت بی میلی مجبوریم که با قوه جبری احترام علم شعار دولت خود را نگاهداری نموده و از لوث خفت محافظت کنیم

چهاردهم می نویسد (مستمر ممکن بود) در جواب اعضای پارلمان اطمینان کامل از بهبودی اوضاع ایران میدهد، شك نیست که چون بدقت نظر شود باین حالت سکونی در اوضاع ایران مودار است محاصره تبریز که سبب آزادی ایران بوده است مرتفع گردیده و این شهر شهیر از غارت و قتل عام نجات یافت، شاه هم تا مدتی نرم شده است خواه از طرف مداخلت روس و انگلیس باشد یا از بی حملات ملی - در هر صورت پارلمان در ایران قائم خواهد شد، مشروطه هم برقرار گردید، وزرای کمزور هم اگر چه آزادی خواهند دعوت شده اند، ولی تلگرافی را که (روز) از طهران میدهد خیلی کم اطمینان بخش است چه از آن ظاهر می شود که شاه هنوز اطرافیهای سابق خود را اهم از روس و ایران که صلاح دهندگان بسیار بد اند خارج نمود، ازین رو هیچکس اطمینان نمی تواند گفت که به چه وضع و اصول پارلمان ایران جاری خواهد شد، ایرانیان چگونه به اقوال شاهی که چندبار قسم بر آن خورده و شکسته اعناد خواهند نمود و اگر اعناد نه نمایند هیچ جای تعجب نخواهد بود و هیچ دلیلی در عدم اطمینان ملت بالاتر از این نیست که از دو جانب اردوهای ملی حرکت بجانب پای تخت نموده اند یکی از طرف رشت و دیگری از جانب اصفهان، اگر این

اردو های ملی وارد طهران شد و خارجه مداخلت نکرد البته کار را بدستور خود انجام خواهد داد ، و کاری که نمایند این خواهد بود که شاه را سبکدوش ساخته و یکی از خاندان قجر را بسربر سلطنت برقرار داشته و با کمال شایستگی مجلس ملی را افتتاح خواهند نمود ، ولی در صورت دیگر که روس مداخلت نماید (چنانچه در تبریز - نمود و حال آنکه در تبریز مطالبی خارجه کم بود و طریقه سهل این بود که برای عدم مداخلت اجانب را از آنجا بیرون کنند) میتوان گفت چه پیش خواهد آمد

حق اینست که روس برای پیشرفت مقاصد خود شاه را در پناه خویش گرفته ، و معلم او در کارها شاپشال روسی که هنوز هم در دربار موجود و او ناصح و مشاور شاه میباشد و برای محافظت شاپشال و امثال او (کرنل لیاکوف) و افسران روسی موجود اند از ملاحظه کتاب آبی حکمت عملی روس در ایران و خیالات او درباره خرابی سلطنت و برپایی شخص شاه کاملاً ظاهر و هویداست ، ما در این کتاب ملاحظه می کنیم که (مسبو اسوالسکی) وزیر خارجه روس به (سر ادوردگری) وزیر خارجه انگلیس اصرار نموده که دولتیین باید ضامن تخت و تاج شاه باشند ، و این امر زمانی بود که شاه بعد (کرنل لیاکوف) مخرب نمودن پارلمان مصمم بود ، و سفیر ما بهیت بهمقطار روسی خودقبل از انهدام مجلس رؤسای مشروطیین اظهار داشت که اگر اتفاق سونی برای شاه رخ دهد معامله خیلی خراب خواهد شد ، این بود که مجامیان ایران از همانوقت ترك تدارك مقاومت گفته دست بروی دست گذاشته تا افسران روسی توب بهارت پارلمان بسته خراب کردند ، چنانچه در این کتاب ذکر شده که در مقابل دولت از طرف ملت بله شایک هم بنشد که میادا باعث مداخلت خارجیسان از کشته شدن بله نفر روسی بشود .

ایرانیان امروز هم همان طرف را دارند که اگر روس مانند تبریز جلو آمد از طرف مداخلت روس نباید دست از پا خطا نموده مسلم است اربینرو بطرف شاه رخ نخواهد کرد ، شاه هم حکومت خود را تا وقتی که باصبع روس بلوی او نشسته باشد میداند که این

ملك هرگز بر طبق رضای ملت نخواهد گردید ، حلام آنچه معلوم میشود بله پارلمانی جمع خواهد شد و بدو با اشاره و صراحت بوقلا حلی خواهند نمود که توپهای ارلیه در توپخانه موجود و (سکرنی لیاکوف) هم برای برهمزدن پارلمان آماده است ، وکلای پارلمان هم که بخیال خود در محافظه استقلال ایران سامی اند جلوگیری از این حادثات را میخواستند بیبهاو هائیک در جلوس هموس می شود نمایند ، بله مشت ملت ایران آنها در چنین مواقع چه تواند کرد ، در حالیکه توپهای روس در مقابل آنها گذارده (و انعام انگلیس هم با روس مسلم دانند) همواره آنها را به ترسانه ما هرگز قبول نتوانیم نمود که خراب کننده پارلمان ایران شاه بود بلکه خراب کننده پارلمان ایران (لیاکوف) بود و تمام نقشه و راه های را روسها کشیده و نمودند و تمام دستور العملی از روسیه بوده است ، تصور می شود که هیچ ایرانی و مسلمان توب بر خانه خدا به بندد و پت الله را خراب کند بلکه هیچ ایرانی باین خیال و تصور نتواند افتاد

برای ظاهر شدن مداخلات خارجه در ایران باید مقایسه کرد واقعات عثمانی و ایران - همان ادله را که عثمانیان برای سبکدوشی سلطان داشتند محکمتر از آن را ایرانیان دارند ، چنانچه ترکان در ۹۳ اپریل اقدامات خود را کامل نمودند ، و هیچ دولت حرکت نکرد در حلو حوائف ترك سحنی گوید ، پس بد مختاره ایرانیان را مانند ترکان آزاد نباید دانست و در حقیقت باید گفت بعد از معاهده انگلیس و روس سلب آزادی او ابراف گردیده ، اگر غیر از اینست چرا مداخلت در امور داخله آنها می شود

ما تصدیق داریم که (سر ادورد گری) خیلی کوشش نمود که از مداخلت روس جلوگیری نماید ، این کتاب معلوم است از اینگونه سندات ، و در بسیاری از مقامات اداره خارجه ما ثابت قدم ماند

یک مرتبه هم بواسطه سخت گیری اخبارات و شدت اعتراضات آنها در خصوص طلب نمودن (کرنل لیاکوف) و همراهانش وزارت خارجه ماکوشتر نمود (بلکه حرمت کرد و این مسئله را موضوع بحث قرار داد) ولی طایقت حکمت عملی روس پیشرفت کرده

بشکل دیگر گوی را ارمیدان رود و (کرندلیاکوف) بکار های خود مشغول فقط اسمش این شد که از خدمت روس خارج شده است

هنوز وقت آن نرسیده که کشف قامضات این کتاب می کایلیق بشود و فنیکی تمام حالات منکشف کرده ظاهر خواهد شد که ما در دوستی و اتحاد با روس هرمان بیرون خواهیم آمد ، آیا ما شك داریم بر اینکه در این اتحاد با روس خواهیم یافت مدافعی بسیار قوی و شدید را در ایران که وسیله قرابت و نزدیکی آلمان بر آن مملکت باشند ؟

ترجمه مارننگ پست

(۸ می سنه ۱۹۰۹)

مارننگ پست ترجمه از (نوبوریما) ی روس نموده مینویسد : اتفاق روس و انگلیس در ماده ایران ملایب فرستادن فئون در آذربایجان مبنی بر تشبثانی است که دولت آلمان ر ضد این اتفاق نموده ، و بهترین ملامت حفظ منافع روس بر ضد آلمان همین اقدامات مشترک است .

(نوبوریما) اطمینان خود را تجدید میکند که فئون روس در آذربایجان بیطرف خواهد بود ، و همینکه امنیت برقرار شد فوری طاب خواهد گردید الحیار (روج) دخالت مسلحه روس را در آذربایجان برخلاف نگارشات (نوبوریما) تصور کرده مینویسد : طرف دخالت روس شاه را بهوش آورد که پارلمان را قائم باید ، از طرف دیگر حرکت ملتیان مجانب طهران ظاهر بیدارد انقلابات آینده ایران را با کمال سختی ، یکی از بایندگان فقار در ماده انقلاب آذربایجان چنین اظهار داشته که آنچه را شما تصور کرده جانب سختی را ملاحظه نموده اید ، و من تصدیق می کنم آنچه را در سختی معاملات آذربایجان شما تصور میکنید ، چه مصارف قشویک دولت روس به تبریز فرستاده نصف را دولت انگلیس میدهد و این خود بزرگترین دلیل سیاسی است بر عود فئون روس از آذربایجان

ایضاً هم مینویسد : - واقع نگار ما با سعدالدوله ملاقات نموده اظهار داشت که امروز دو مسوده برای دستخط شاه فرستاده چ یکی منظوری پارلمان قدیم است و دیگری در عفو عمومی بحرین پلینیک - بعضی از

واقعات ولیمهدی و ابتدای سلطنت شاه را نیز برای من نقل نمود ، و گفت شاه بخواهش ملت مجلسی را که موقتاً تسلیم نموده بود داد ، در این گفتگو بودیم که منشی سعدالدوله مسودات مذکوره را با مضای شاه رسانیده آورد - سعدالدوله گفت آنچه را که خواهش بودم شاه عطا نمود ، و قبل از آنکه برای دستخط فرستاده شود سواد آن را به منحصن سفارت عثمانی پیش نموده آنها نیز قبول کردند . می فر از طرف ملت در شورای دولتی شرکت نموده قانون انتخابات را از نو ترتیب خواهند داد ، ولی قانون اساسی بدون کم و بیش بموقع اجرا خواهد آمد

خبر روتر از طهران خبر میدهد کاپینه که از مشروطه خواهان تشکیل یافته خلیل کزور است از تبریز خبر رسیده که شاه همان مجلس پارلمانی که سابق بود منظور نموده و رسماً اعلان داده است شعاع الهوله سردار لشکر و شجاع نظام حاکم سرحد را حکم شده که فئون را از دور تبریز متفرق سازند از قرار معلوم سپهسالار اعظم را در رشت و مصمص السلطنه را در اصفهان برای اجرای قوانین مشروطیت بر قرار خواهند داشت

بوجب خبریکه از طهران رسیده در قزوین اردوی ملی هم روزه زیاد میشود و تا نزدیک (عجریش) ملتیان رسیده اند ، سیم تلگراف راه قزوین و طهران منقطع است

۹۳ مینویسد : - مخارات رسمی دولت انگلیس که در کتاب آن طبع شده روشنائی کامل برواقعات این دو ساله و انقلاب ایران می اندازد ، اگر چه کاملاً و مرتباً واقعات دوج نشده ، و بعضی از آن واقعات که بقیده مانعش امروزه صلاح نبود انتشار یافته ، و بسیاری از مراسلات سر اوورد گری که در پارلمان انگلستان پیش شده تا تمام طامه است ، این کتاب منجاوز از سیصد مخبره است که در رابد برسد مقاطعات متفرقه رد و بدل شده و در هر مقام بصورت مختلف بحث نموده است ، ارباب سیر را این کتاب در آنچه خلیل مفید خواهد بود ، این کتاب بقسی غیر مرتب تألیف شده که فهم بسیاری از واقعات ایران از آن خالی از دقت نیست ، بعضی مقاطعات مطلب را نمانی

گذاشته و در برخی جاها دنیا طلب را گرفته که سابقه حالات مفهوم نمی شود. قطع چیزی که بخوبی ازین کتاب ظاهر می شود الزامات چند ایرانیان است با درین موقع نظر از واقعاتیکه بین شاه و رعایا شده می نماید و فقط بدرج یکی دو نکته مهم که بین ما و روس دوستانه تصفیه شده می پردازیم

در سنه ۱۹۰۲ (سرسیل اسپرنگ ریس) سفیر ما در مراسله که از طهران فرستاده چنین اظهار داشته است «حرکات بغاوت آمیز در طهران نمودار است و می بینم که ملت برخلاف حکومت بر خیزند. ولی تصور نمیکنم که در این انقلاب ضرر مالی و جانی بر پای خارجی وارد آید. حالت ایران بآن خوف و دهشت نرسیده که منجر بدخالت شود. ولی اگر پاسی خارجی در میان آید احتمال خوف میرود. لذا رأی من این است که فعلا از هر گونه مداخلات خود را محفوظ داریم. و دولت روس هم باید همین مسلک را پای بند شود (اگرچه ملاحظه حالت تقاض حال روس غیر از حال ماست) هر حال دولتین را لازم است که نقشه سعیمی بین خود کشیده و محفوظ دارند تا موقعیکه خوف جان و مال خارجی در ایران پیش آید در آوقت مجبوراً پیروی از آن کنند»

در همین ایام مسیواسوالسکی (وزیر خارجه روس) (سرادوردگری) به (وزیر خارجه انگلستان) چنین نوشته است «مسلک روس بطرفی از مداخلات نامورد ملاحظه ایران است و تا اشد ضرورت پیش نیاید دخالت مسامحه بایران نخواهد نمود و احیاناً اگر ضرورتی هم پیش آید دولتین روس و انگلیس متنفساً اقدامات ضروری را خواهند نمود»

بلاشک از آن زمان تا کنون هم واقعات بسیار در ایران پیش آمده و ثابت کرده است اتفاق دولتین را در معاملات ایران. اگرچه بسیاری از اقدامات روس را وزارت خارجه ما تسامح نموده و روسها هم هر اقدامیکه مینمایند تسامح ما می نمایند. ولی عقیده ما این است که اگران روسی در دوبار ایران برخلاف دیانت حرکت کرده لیکن (مسیواستالین) که امروزه رئیس وزاری روس است پای بند بقرار دادی است که با دولت انگلیس نموده. اگرچه از محازرت رسمی روس بخوبی نمیتوان استنباط نمود ولی از ذرایع موثقه این امر محقق گردیده که دولت روس مکرر در مکرر به (مسیواستالین) فشار آورده که هر قسم ممکن شود تقابل در ایران اداخته قشون روس را وارد نماید.

و این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که ریاست (مسیواستالین) در روسیه حکم آفتاب لب بام را پیدا کرده و مسلم است اگر او مستحق شود بمقام وی کسی مقرر خواهد شد که برخلاف منافع انگلیس حرکت نماید

درست است که فعلاً رضایت و اتفاق دولت انگلیس روسی قشون خود را بداخله ایران سوق داده ولی نتیجه این لشکر کشی هلستقرب دیانت روسی را ظاهر خواهد داشت. دولت روس فعلاً اطمینان داده که چون املیت قائم شود قشون خود را باز خواهد خواست ولی ما این وعده روسی را تا زمانیکه مسیواستالین بر سرکار است نمیتوانیم تصدیق نمود. و اگر درین بین تغییر کابینه شود و (مسیوشاوست) ریاست یابد يك ماه طول نخواهد کشید که خواهیم دید نامی شمالی ایران قبضه روس در آمده است

بعد از تمام این ملاحظات خاص در معاملات آسیای انحاء دوستانه انگلیس و روس اگر بطریق دیانت بر قرار ماند مفید خواهد بود. و در آن صورت چیزیکه استقلال ایران را حفظ نماید همین اتحاد است

در مملکت ایران ابرهای کدر بتند شده چنانچه تلگراف حالی ظاهر می دارد حکم شاه از مداخلت روسی ترسیده و اعطای پارلمان هم دلیل بر این امر است. ولی بعضی را کمان این است که شاه بخواهد باین نیرنگها کار را معطل گذارد. اگر این امر فرین واقع باشد اهالی ایران را چه باید کرد؟

بمقیده ما اگر ابرایها هوشیار و دانا هستند تمجیل درکار نکرده صبر کنند تا زمانیکه یقین کامل ارجحیالات شاه حاصل نمایند. اگر دیدند شاه بطریق راست نازی با ملت پیش آمده باوی اخلاق ارده ز گذشته بگذرند و واقعات سابقه را فراموش کنند. اگر شاه و امما عفو همومی داده و مجلس پارلمان بدخواه مات دار شد هیچ جبهتی ندارد که مات اا مدست نشده طار خودشان را از پیش نبرند. در آن صورت هیچ لازم نخواهد شد که خارجه دخالت در امور ایران نموده یا محتاج به صابج دولتین انگلیس و روس باشند. و اگر مات و دولت ایران این طور یزی و بد نظمی را از مملکت خود دفع نمودند مسلم است که آخرین وسیله مداخلت خارجه را هم از مملکت خود برطرف نموده اند

ترجمه استندرد

(ع ۱۰ - ۲)

۲۲ ابریل نایندگان دولتین انگلیس و روسی آخرین

و وزارت بحری فرانسه اراده دارد که ملاحان
جهازات جنگی را در جهازات تجارتي که بين (الجزیرا -
کورسیکا - و تونس) عبور و مرور دارند به خدمت
گذارد تا که بسته های پسته و اشیائی که ترس حرب
شدن دارد فرستاده شود، کشتی موثک شکن فرانس
حامل خطوط پست گردید

(۱۰ ج ۱ - ۳۰ می)

و تلگرافی از اسلامبول رسیده که پارلمان هانی
مسوده قانونی را امضا داشته که درباره اصلاح و انتظام
دقار است ، بموجب این قانون (۱۳۰۰) دفتر دار
معزول خواهد شد، از این رو (۱۲۵۶۰۰) لیرا سالانه
تخفیف در مصارف شده است

و تلگراف (مارسل) ظاهر میدارد که (۳۰۰)
مسافری (الجزیرا) در جهازات تجارتي بحرکتی مقصود
رواه شد

و اصلاحخواهان (لیا) که در (پیورو) واقع است
رئیس جمهوری را گرفتار کرده مجبور به استعفا نموده
اند قشون شهری رئیس جمهوری را رعاییده بر آنها
شلیک کرده (۵۰) نفر را هلاک و عده املیت حاصل
گردید

(۱۱ ج ۱ - ۲۱ می)

و دولتی فرانسه و آلمان به یکدیگر در خصوص
مناقشه (کاسالنگا) مراسلات اسف آمیز رد و بدل
نمودند

و جریده (طمس) می نویسد که امپراطور آلمان
شاید امسال (نیوکون) را ملاحظه نماید

و میگویند که حکومت (انوار) در سنه (۱۹۱۰)
شروع به تعمیر جهازات جنگی و ترتیب دستجات
بحری خواهد نمود و در این خصوص با کارخانجات انگلیسی
مچاره می کند

و (سکنر مارکوره) رئیس الوزرای (ایتالیا) در
مجلس شورای ملی اظهار داشت که شدیداً لازم شده
که قشون (ایتالی) افزوده شود ، بجهت سال میگذرد
که (لومباردی) آزاد شده و هر فرد اهالی از
جشن بجهت ساله مجوش است ، باید هر حفظ آن از
دولت خارجه که در کین نشسته اند ملت را وادار نمود

(۱۲ ج ۱ - اول جون)

و (مسیو لویس) نایب وزیر خارجه فرانسه سفارت
(پتسبرگ) و (مسیو بومبارد) سفارت ایلامبول
ملصوب گردید

و تلگراف (ملبورن) ظاهر میدارد که حکومتی

نصیحت خود را بشاه هوده ضمناً یاد داشتی هم تقدیم
کردند، در آن یاد داشت چه نوشته شده کاملاً معلوم
نیست، ولی سه نکته آن که معلوم شده ازین قرار است
• اول املیت و انتظام مملکت، دوم برقرار داشتن
هان پارلمانی را که بقوه جبریه در جون گذشته خراب
نمود ، سوم اعلان عضو همی بحرین پلنکی •

روز چهار شنبه دستخط صادر شد که تمام اصحاب
دولتین را شاه منظور نموده و ۱۹ جولائی نیز افتتاح
پارلمان خواهد شد، حالا باید دید که شاه از صمیم قلب
با ملت موافقت خواهد نمود یا نه ؟ و در اصلاح و
انتظام مملکت چنانچه یاد داشت شده عمل خواهد کرد
یا خیر ؟ و این اسرار اطمینان بخش است که در قانون
اساسی و ترکیب مجلس تغییر و تبدیلی داده نشده است
چیزیکه موردت عدم اطمینان میباشد این است که بعد
از خرابی پارلمان یک مرتبه شاه اعلان داد که سه ماهه
مجلس را برقرار خواهد نمود و در آن مردمان کاردان
منتسح با حب الوطن انتخاب خواهد شد و وفا بدان
عهد نه نمود، درومبر مجدداً اعلان داد که مجلسی
ملقب می شود ولی باید اعضای آن از طرف دولت
انتخاب شود ، حالا این نوبت باید دید چه پیش
خواهد آمد

تلگرافات

(۸ ج ۱ - ۲۸ می)

و در مجلس شورای ملی در اسب اخصای (سوشلیست)
عربک نمودند که همه حات معزول اداره جات را
مجدداً مقرر نماید نمود و با (۳۲۸) رأی مخالف (۱۵۱)
نامنظور شد

و در (مارسیلی) ملاحان جهازات دست از خدمت
کشیده از این رو در (الجزیرا) و (تونس) (۳۰۰)
نفر از مسافرین معطل مانده اند ، باینندگان دول از
حکومت خواهش نمودند آنها را در جهازات جنگی
سوار و مخالف مقصودشان رسانند

(۹ ج ۱ - ۲۹ می)

و بموجب اخبار (برلن) دیروز در کیمپون طالبه
(رجسنتک) ا کال سختی مباحثه شد

و وقایع نگار طمس از (شنگان) می نویسد که
دولت چین اعتراض دولت انگلیس را در خصوص
راه آهن چین اعتنا نموده ، اداره نواح راه آهن
رسماً اشاعت داده که خرید شمنه فرهای راه آهن
فقط از کارخانجات آلمانی خواهد شد

نسخ استغای رئیس جامعه مزدوران را انکار کرده .
 (ستر دیکین) در صدد تعیین رئیس دیگر است
 در مضامین پاریس و فراه قریباً آن تمدد مقامات
 سیم تلگراف را قطع کرده اند . بعد از تدارک معلوم
 شد که مرتکبین این عمل باغبان اند و چند روز قبل
 اعلانی جاری کرده بودند که نوع خوراک طریقه قطع
 سیم را تمام نموده اند

(۱۳ ج ۱ - ۲ جون)

سندات استقراضی روس برای راه آهن از قرار
 سود سالانه چهار و نیم فیصد قیمت نود در لندن
 فروش رسیده است

وقایع نگار (طمس) از (توکیو) سبب انکار
 دولت ژاپون را از رجوع مسئله راه آهن
 (فاکومین) به تالی (هیک) چنین مینویسد : ژاپون را
 خنیده اینست که این مسئله تا کنون لازم نیست رجوع
 به تالی (هیک) شود .

امپراطور آلمان ۱۷ جون در جزیره (فیلینش) با
 امپراطور روس ملاقات خواهند کرد و (مسیواسوالکی)
 در محبت امپراطور روس را خواهد بود . در (برنبرگ)
 مباحثه زیاد بر این ملاقات می شود چه از حیثیت این
 ملاقات هیچ کس مطلع نبود

غیر (روز) از اسلامبول خبر میدهند مظلون است
 بعد از علیحدگی قشون دول از جزیره (کريت)
 تمام دولت يك فرود جهاز جنگی را یکی بعد دیگری
 برای حفظ بیرونی عثمانی در آنجا بگذارد . رفعت پاشا
 در حین ملاقات با غیر (روز) اظهار داشته که پس
 از علیحدگی افواج دول ، حیثیت آزادی صحریت
 چنانکه بود برقرار خواهد ماند و اهالی بسیار مسرور
 خواهند گردید . و اگر دولت (یونان) حرکتی مخالف
 حقوق عثمانی نماید دولت عثمانی از حفظ حقوق خود
 بیچوجه صرف نظر نخواهد نمود

امارت (سرویا) تدارک استقراض شش میلیون
 لیرا از جنگ های فرانسه دیده که به مصرف تعمیر راه
 آهن و خرید اسلحه برساند

غیر (روز) را خبر رسیده که دولت چین توسط
 غیر ژاپون مقیم (پکن) خبری را که برای رجوع
 مسئله راه آهن (فاکومین) به تالی (هیک) عودده بود
 خروج کرده و خواهش نموده خود شان را آن مسئله
 مباحثات لازمه را به نمایند . چنین است که ژاپون بر این
 بازرسی خواهد نمود

(برس و برس ناشیمنونو) بیساحت انگلستان
 وارد . با اینکه مسافرت ایشان رسمی نیست پادشاه و
 ملکه از ایشان دیدن خواهند کرد
 بموجب خبر اسلامبول عدالت نظامی مجرم اشغال
 اهالی در غایت . حاجی عثمانی طم را محکم حبس
 دوام داده است

قانون جدید انتخاب وکلای

پارلمان ایران

غیر روز ۱۳ ج ۱ از طهران خبر میدهند که ر
 حسب قانون انتخاب حدود وکلای پارلمان ایران ، علماء را
 حق رأی خواهد بود اهم بر اینکه آنها طالبات مدینه دولت
 باشند یا باشند

ملت یهود مصرانی و فارسی هر یک یکوکیل از هم
 مذهبیان خود را میتوانند بولایت پارلمان انتخاب نمایند ولی
 باقی وکلا لازم است مسلمان باشند

عده وکلا از یک صد و شصت و دو نازل میگردد
 و بیست داده شده است

ما رأی خودمان را در ماده قانون انتخابات جدید
 محفوظ میداریم تا درست ملاحظه مواد آنرا به نمایم
 ولی رحب اطلاعات مخصوصه که داریم قانون اساسی
 و متمم آن بدون هیچ گونه تصرفی برقرار و رسماً هم
 شاه تسلیم نموده و بعد حصول قانون اساسی و متمم آن
 تصریح شده است و مسوده قانون انتخاب وکلا برای شرح
 و تعدیل به تمام انجمنهای ایالتی تلگرافاً تقدیم شده که
 پس از بحث و صحت آنها بامضای شاه برساند . از این
 رو میتوان اطمینان حاصل نمود که قانون انتخاب هم ر
 طبق میل و خواهش ملت ترتیب یافته و عده هم که از عدد
 وکلا کاسته شده از طهران است ، چه رحب قانون انتخاب
 اولیه شصت نفر وکیل فقط از طهران انتخاب می شد
 و بیشتر این خرابی از دو روزی وکلای طهران پیش
 آمد و این اعتراض را مکرر وکلای با دانش در مجلس
 مقدم نمودند . بر طبق قانون جدید طهران هم مانند
 سایر ایالات دوازده نفر الی بیست نفر وکیل انتخاب
 خواهد کرد و این امر نظر به تجربه که از دوره اولیه
 حاصل نموده ایم خیلی نافع است و این تغییر را بنا بر
 مقتضای وقت ملت داده است که دولت

تبدیل انتخاب طبقاتی هم از خواهشات ملی ود
 و مکرر تلگرافاً و کتباً اهالی از مجلس مقدس درخواست

نمودند و چند نوبت مجلس تبدیل انتخاب طبقاتی را وعده بدو داده ازین رو باید گفت این تبدیل هم بر حسب خواست ملت شده است و برای اینکه امتیازی طبقاتی روحانی را باشد رأی آنها تام قرار داده شده اهم بر اینکه مالیات بده باشند یا نباشند، دخل استمراری داشته باشند یا نداشته باشند، و چون قانون انتخابات جدید هم بحضور مبارک حضرات آیات اقدس نجف اشرف رسیده آنچه را ایشان امضا داشته عین صلاح و صواب و موافقت رضای ملت است

و حسب قانون انتخاب اولیه نیز ملل ثلاثه که در ایران هستند یعنی فارسی و یهودی و ارمنی هر یک حق انتخاب یک وکیل داشتند چنانچه ارباب جمید از جانب ملت فارسیه وکیل و شریک مجلس بود، ارمنه و یهود با اختیار خود وکالت خویش را در دوره اولیه بر ژسای روحانی واگذار نموده در قانون انتخاب جدید هم همان حق را برای آنها منظور داشته اند

اینکه تصریح شده که سایر وکلا البته باید مسلمان باشند گویا در قانون اولیه انتخابات تصریح نشده بود ولی اهمال بر آن جاری بود و بدون شبهه تصریح بر این امر در رفع اشکالات آتی نیز لازم بود

تا آنجا که با اطلاع رسیده و این تکلیف هم بر آن ناطق است تبدیل قانون انتخابات مزبور هیچ حق از حقوق ملیه نشده بلکه خواستات اولیه ملت بموقع اجری آمده و جمیع هم که اشاعه آن در شد این بود که مسوده آن بجمیع ولایات پیش شده منتظر رسید جواب با صواب از ولایات بودند

مستدعیات ملت از شاه

اولاً حدوث فائده آذربایجان و سرحدات و سکوت اعلیحضرت شاهنشاهی با حصول مقاصد اساسیه ملیه که حفظ وطن و استقلال سلطنت و ملت است منافات پیدا المشرقین دارد و بی اندازه باعث نزول اطمینان و یاس عامه شده که این مجاهدات شروع بر اساسی خواهد ماند که نظیر بوده باشد

استدعا اینکه اقدامات سریعه مجده در رفع این خوائل خاصه حایه تبریز مبذول فرمایند تا باطمینان کامله اطاعت اوامر ملوکاه را فرض وجهه عبودیت خود نموده از بذل مال و جان دریغ نکردد

دوم - دستخط آفتاب فقط در اطافه مشروطیت مطلقاً که باعطای اعلیحضرت مبرور مظفرالدین شاه امارافه مرقدہ اشاعه شده است استدعا اینکه ضمیمه منعم قانون اساسی که از عطیات خسروانه و از آثار خیریه ذات اقدس ملوکاه است نیز تصریح فرمایند

سوم - نومی مراسم مخصوصه شاهانه درباره متحصنین و ملتجعین مبذول شود که با املیت و اطمینان کامل پنازل خود و تقبیل سده سایه شرف افتخاری ابدی نایل و در تسبیل امور و ترتیب مواد نظامنامه انتخابات با وزراء عظام موافقت و مبارزه آراء نموده که زودتر آن وسایل را سفحات انتشار یابد

چهارم - اتباع دولت علیه که به باره اتهامات پلیدی در قلیس و غیره محبوسند بوزارت جلیله خارجه امر شود که استخلاص آنها را بخواهد

پنجم - چنانکه عواطف ملوکاه همومیت دارد و دمای سلسله جلیله عالم اکثره امثال خاصه موافقت حضرات آیات اقدس دامت برکاتهم العالی که رای دوام دولت و بقای اسلامیه فرض است درباره حجج اسلام عطیات طلبیات مخصوصاً مبذول آید و از این عطیه کبری بآن ذوات مقدسه تبریک فرمایند که با امتنان خاطر خود را از توجهات ملوکاه بمسوم ولایات مخیره فرمایند که با اطمینان قلبیه ملت را تاکید فرمایند که مطمئناً زندگی و پایداری تاج و تخت مشروطه مقامات اعلیحضرت اقدس پدر تاجدار را ذمه دار بشویم و قیله حقیقی خود بشناسیم، اداره سلیه ملوکاه را مقدس شمرده ذات اقدس شاهنشاهی مطاع معظم باشد و این بتدگان مطیع و مخلوک باشیم

- ششم - طرد و تبعید مفسدین بقدر اقتضا
- هفتم - اخذ اسلحه اشراک
- هشتم - ترک طلب قوی
- نهم - آزادی وسایل مخبرات

دهم - پس از قبول مستدعیات نه گانه صدور امر قدر قدر شاهانه ملوکاه بجهت و جرافان تا سه شب طهران و سایر ایالات و ولایات داخله و بایندگان دولت علیه در خارجه همه با چشم انتظار و قلب امیدوار مترصد بقل عواطف ملوکاه در قبول مستدعیات ده گانه هستیم که هموماً بزنده باد ذات مقدس ملوکاه مترجم و دعا گو شده بالاخره مشغول اصلاحات خرابیهای گذشته شویم

ترتیب

در شماره ۴۴ صفحه ۷ ضمن مکتوب بیانی صورت تلگرافی بصورت الدوله قشقانی درج شده بود، از قرار خطوط و تلگرافات بیانی نگارنده مکتوب غلط کرده و ابداً چنین تلگرافی از طرف ایرانیان بیانی بصورت الدوله قشقانی نشده است و ما رسماً آن تلگراف را تردید مینمایم و از نگارنده مکتوب خواهش میکنم منبسط بیامون اینگونه غلط کاریها نکرده که برای نجات ایرانی جز صداقت نیست

« جبل اللین کلت »
« دیکل کالج استریت نمبر ۴ »

« وکلا فمه دار ابونجبت مشترکین اند »
(بدل ابوة اخبار پیشی کرتے میشود)

« قیمت اشتراک »
« سالانه — شش ماهه »

Habibul Matin Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

« نامه مقدسه »

« هند و برمه »

۱۲ روپه — ۷ روپه

الملك

« کلية امور اداره با »
« مدير کل مؤيد الاسلام است »
« هر دو شنبه طبع »
« و سه شنبه توزيع ميشود »
« يوم دوشنبه »

« ايران و افغانستان »

۲۰ قران — ۲۵ قران

« عثمانی و مصر »

۳ مجیدی — ۳ مجیدی

« اروپا و چين »

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

« سنه ۱۳۱۱ »

۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۷ هجری

« روس و ترکستان »

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

« مصادف با »

۱۰ منات — ۶ منات

(اداره درج نمیشود)

۱۰ جون ۱۹۰۶ میلادی

« در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود »
(مقالات نامالغفه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

« تلگراف مخصوص »

« از خراسان ۷۳ ج ۲ »

« دستاویز پتیک بین بعضی احرار وکلانتر آتش افروخت ، قولی روس بدون ضرورت از موقع انقلاب گذشت ، به بسط پتیک شهرت داده اند همما بر او شایک شده ، حقیقت را دانست اقدامات ضروریه به نماید »

« جبل اللین »

« آشنایان سیاست پیش آمد این واقعات را قبل از وقوع میدانستند ، جبل اللین پنج ماه قبل این مسئله را موضوع بحث قرار داده امنای ملت و رؤسای روحانی را متوجه ساخت که روسها سر مارا در آذربایجان گرم و دارند لعل وارونه میزنند ، یکدفعه فراموش دید به بهانه های پتیک سر از خراسان بدر آورده اند ، حالا هم میگویم از این حرکات دو مقصود دارند ، یکی بزرگ بگویند تا به تب راضی شویم یعنی توجه ملت که بجانب آذربایجان و لشکر روس مطوف است بطرف خراسان باز گردانند ، و دیگر چون آذربایجان را موانع خارجی موجود است بخیال خود خراسان را بی طمع تر تصور کردند ولی روسها نباید غافل باشند که خطه (کرمانگین) را بدوا انگلیسها کشف کرده اند و گمانند ، هنوز فراموش نکرده و نیکر میدانند که خطه خراسان به نتایج وخیمه و

« بری هندوستان در بر رود و هیچ میدانست که این حرکات مقدمه ملاقات امپراطورین روس و آلمان و سبب قضا معاهده دولین روس و انگلیس گردد ما غیرت مندان خراسان را داناز اربین میدانستیم ، در سوونی بقتل و دانش آنها قائل نواح شد که نگذارند بهانه بدست خارجه اوقتد ، علاوه بر این امروز موقع آشتی دولت و ملت است خنک خانگی را باید کنار گذارده پای اجانب را از وطن عزیز خود قطع نمایند نه اینکه بهانه بدست خارجه دهند »

« بالجه درین مقام همین قدر میگویم که حضرات آیات الله و جمیع افراد مسلمین بدانند که روسها دارند برای مداخلت بهانه جوئی می نمایند و مسلم است که با این مسلکی که آنها اختیار نموده درین موقع هم اگر مقضی المرام نشوند موقع دیگر مورت انقلاب خواهند گردید و این آب از کدام سرچشمه گل آلود است دانایان رموز بهتر میدانند روسها همین که دیدند ملت ایران بهانه به آنها میدهند خودشان شروع به بهانه جوئی کرده اند و این نتیجه مرعوبیت ایرانیان است و ثابت آر خلیل و حیم میباشد »

(نو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجل)

« امنیت ایران ملخص در الحراج »

(تقون خارجه است)

حضرات آیات الله نجف اشرف و سرداران ملی

و اجتهاد نوبت مجلس تبدیل انتخاب طبقاتی را
و داخله ایراد داده ازینکه استقلال ایران تبدیل
و اطمینان در امنیت آنیه و حفظ مشروطیت نمائند
سوم - نومی
متصلین و ملتجین
کامل بنازل خویش یادداشت سنوای دولتی
ار و

(روس و انگلیس شاه)

(شماره ع ۲ - ۱۳۲۷)

ما بنامندگان رسمی دولتی بنا بر مأموریت فوق
العاده که از طرف اعلیحضرتین پادشاه انگلستان و
امپراطور روس داریم بحضور اعلیحضرت هابون
شرفیاب شده این لایحه رسمی پیش نهاد مینمایم .

نظر بانکه سلاطین با یک دیگر برادرند بنا بر مقام
انجام و دوستی همیشه بایستی حفظ مقام و صلاح یکدیگر
را نموده روز بروز روابط بگنجی را تجدید کنند .

چون مدتی است بواسطه افشاشات ایران و تقاضای
ملت برای اعاده مشروطیت گرا را یادداشت و مراسم
بحضور اعلیحضرت ناصر شاه فرستادیم و تاکنون نتیجه
مانده امروز که تمام ایران و ایرانیان اعاده مشروطیت را
تقاضا دارند در عهد و آسایش و دوران امور تجارت

بین لائل ماچاریم بطور رسمی نصیحت کرده شخص
اعلیحضرت را متذکر باینکه تمام حیثیت سلطنتی
اعلیحضرت منزلت است فقط چیزی که مانده همان معاهده
ترکان چایی است که محض تأیید سلطنت ایران در
دودمان عباسی میوزا به عهده دولت روسی میباشد
و نزدیک است آهم از میان برود .

لذا برای مراسم تمام جهات مقام ملیح سلطنت
اعلیحضرت هابون اجراء مواد ذیل را رسماً خواهانیم
(۱) اعاده مشروطیت و افتتاح پارلمان با اجرائی
همان قانون اساسی که در مجلس سابق وضع شده بدون
کسر ماده از مواد آن .

(۲) تغییر کابینه وزراء خصوصاً صدراعظم و امیر
بهدار را ، و نصیحت میکنیم اعلیحضرت را که آنچه در
این مدت بر ما معلوم شده تمام افشاشات ایران بواسطه
سوء افکار اینها بوده ، خیلی خوب است که مادام العمر
با آنها ملاقات هم فرمائید

اعلیحضرت را وزرای مطلق علم حسد البته صلاح
آن است که آنها را مصدر امور قرار دهند

(۳) عضو عمومی بنی هرکس در ایندست (رولیسبون)
ایران منصرف پلنگی بوده مغفول دارند و نفی اعلیحضرت
عضو عمومی فرموده ما هم از طرف ملت میتوانیم اطمینان

ببخارج شدن قشون روسی از ایران است ، و این امر هم
موقوف بیک توجه صحیحاً شخص شاه میباشد تا راه
بهاه برآید قیام لشکر باقی ماند . پس از آنکه شاه
فرمان مشروطیت را برطبق خواهش ملت صادر نمود
و ملت هم اظهار اطاعت از دولت کرد اگر طریق را
بیت خالص اس میبج بماند برای قیام قشون خارجه در
ایران باقی مانده و بیک توجه شاه و پروتست توأم ملت
و دولت رحمت وعده رسمی و قوانین بین المللی روس
معبور است قشون خود را از خاک ایران خارج باید

امروز وظیفه ملت و صلاح دولت این است که بدون
دقیقه فوت وقت قشون خارجه را از خاک خود خارج
نمایند . ملت انجام این امر را جدا باید از شخص شاه
نخواهد و میبج هذر و بیه را از دربار نه بپذیرد . در
آن صورت میثت دولت و شخص شاه را هم زبان
بدولتین روسی و انگلیس دراز است که بوگرام تصاحب
شما قبول شد ولی ملت تا وقتی قشون خارجه از خاک
ایران خارج نشود اطمینان فرامین دولت و اعتماد
مشروطیت سلطنت نمی نمایند . و تا قشون خارجه از
سرحد ایران خارج نشود اعتماد ملت بشخص شاه
حاصل نخواهد شد ، و طبیعاً این امر مزید انقلاب داخله
نواد گردید و البته ذمه دار واقعاتیکه درین ضمن وقع
شود دولتی نخواهند بود ، مسلماً باین اصول دولت
روسی ماچار است که قشون خود را خارج نماید

امروز اولین وظیفه ملت و دولت است که نگذارند
زیاده بر این قشون خارجه در ایران توقف نماید و
نباید ساعتی ازین خیال غفلت ورزید و از هیجان
باز آمد ، بلکه باید ساعت بساعت بر هیجان ملی
درین موضوع بیفزایند ، و اولیله همراهی شاه را با مقاصد
ملت رفع این فائده قرار دهند و حضرات آیات الله و
حوزه مقدسه علمیه نجف اشرف راست که از پای نه
شینند و آرام نگیرند و دولت را آرام نگذارند و
میبج هذر و بیه را نه بپذیرند تا قشون روسی از
سرحد خارج گردد ، و اگر لازم آید آخرین وظیفه
اسلامیت خود را درین موضوع باید موقع اجرا گذارند
ورنه مشروطه برای ایران خواهد ماند ، به استبداد
و استقلال بدست در واقعات یکساله ایران تأمل فرموده